

حقوق مدنی

«۴»

«الزامات خارج از قرارداد»

بر اساس:

«متن تمام مواد مرتبط»^۱

«آموزه‌های دکتر کاتوزیان، دکتر شهبازی و دکتر برادران»

گردآوری، تایپ و ویرایش: داود بلدی

رتبه بیست و چهار کانون وکلای خوزستان ۱۳۹۴

^۱ - مواد مطروحه در این جزوه: ماده ۳۰۱ تا ماده ۳۳۷، بعلاوه سایر مواد مرتبط قانون مدنی و دیگر قوانین مرتبط.

- ✍ این جزوه صرفاً برای آزمون وکالت [که آزمونی قانون محور است] مهیا گردیده است؛ بنابراین برای آمادگی جهت آزمون های حقوقی دیگر، باید به منبع خاص آن آزمون نیز توجه کرد؛
- ✍ در این جزوه سعی شده است بدون حذف نکته های مهم، مطالبی ساده و روان در اختیار شما دوستان قرار بگیرد؛
- ✍ در مواردی که مبحث، به قانونی غیر از قانون مدنی مرتبط باشد، مواد قانون مرتبط، به صورت پاورقی آمده است؛
- ✍ در نوشتن جملات و متن مواد در این جزوه دقت بسیاری شده و حتی چندین بار ویرایش شده است، اما مطابق قاعده عام! خالی از اشکال نمی باشد؛
- ✍ کلمات و عباراتی که بین [کروشه] در متن مواد نوشته شده است، برای فهم راحت تر مواد است و جزء ماده نمی باشد؛
- ✍ بهترین مکمل این جزوه، تست قانون مدنی از دکتر محمد حسین شهبازی است؛
- ✍ بدیهی است با مطالعه این جزوه، مطلقاً از مطالعه گنجینه دکتر کاتوزیان (قانون مدنی در نظم کنونی)^۱ و سایر کتب وی و کتب اساتید دیگر بی نیاز نمی شویم؛
- ✍ پیشنهادات و انتقادات (ایرادات) همه دوستان و صاحب نظران را در Pandpnu@yahoo.com پذیرا و پاسخگو هستم.

داود بلدی - زمستان ۱۳۹۴

موفقیت چیزی نیست جز:

- ✓ داشتن هدف؛
- ✓ برنامه ریزی دقیق و منعطف؛
- ✓ اجرای برنامه با پشتکار قوی؛
- ✓ حفظ انگیزه و عدم ناامیدی در تمام مسیر.

^۱ - ضمن مطالعه مواد قانون مدنی، رجوع به حاشیه های دکتر کاتوزیان در «نظم کنونی» فراموش نشود.

« فهرست »

صفحه	عنوان
۵	ایفای ناروا
۷	اداره مال غیر
۸	غصب
۲۲	اتلاف
۲۴	تسبیب
۲۶	استیفاء
۲۸	استفاده بلاجهت
۲۹	موادی از قانون مجازات
۴۰	قانون مسئولیت مدنی
۴۶	قانون بیمه اجباری

من هرگز خسته نمی شوم؛
به هر تعداد که لازم باشد قدم
بر می دارم.

موضوعات مدنی «۴» «ضمان قهری»

➔ ایفای ناروا، اداره مال غیر، غضب، اتلاف، تسبیب و استیفاء.

ضمان قهری

➤ ضمان قهری یعنی مدیونیت و مسئولیتی که به مناسبت فعل ضرر بار که شخص مرتکب شده است به حکم قانون برای او پیدا می شود؛

➤ ضمان قهری یا «مسئولیت مدنی به معنای اخص» در مواردی به کار می رود که رفتار یک فرد و عملکرد او موجب ورود زیان به دیگری شده باشد، بنابراین اساس مسئولیت مدنی، مسئولیت جبران خسارت است؛

➤ به طور کلی هرگاه این مسئولیت [مسئولیت به جبران ضرر و زیان] به مناسبت اجرای یک قرارداد یا نقض تعهد قراردادی یا تقصیر در اجرای قرارداد بوده باشد، آن را مسئولیت مدنی قراردادی، و هرگاه این مسئولیت مربوط به قرارداد نباشد، بلکه فرد صرفاً با رفتار خود در اجتماع موجب ضرر و زیان به دیگری شده باشد، آن را مسئولیت مدنی غیر قراردادی یا الزامات خارج از قرارداد یا ضمان قهری می نامیم؛

➤ جمع هر دو مسئولیت [مسئولیت مدنی قراردادی + مسئولیت مدنی خارج از قرارداد] می شود مسئولیت مدنی به معنای عام کلمه؛

➤ در هر حال در هر مورد که بحث مسئولیت مدنی مطرح باشد، در آن جا مسئولیت به جبران خسارت مطرح می باشد؛

➤ در مسئولیت مدنی اهلیت شرط نیست، زیرا قصد انشایی مطرح نمی باشد، بنابراین در مسئولیت مدنی به معنای خاص کلمه [ضمان قهری] محجورین هم مانند سایر اشخاص مسئولیت مدنی دارند.

تفاوت مسئولیت مدنی با مسئولیت کیفری

➤ همان طور که گفته شد، در مسئولیت مدنی بحث مسئولیت فرد به جبران ضرر و زیان مطرح است و لاغیر، اما در مسئولیت کیفری، شخص کاری کرده است که فعل او از نظر قانون مجرمانه توصیف می شود: مانند سرقت، کلاهبرداری و...؛

نسبت بین مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری

بین مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری عموم و خصوص من وجه برقرار است، به این معنا که: برخی از اعمال اشخاص مسئولیت مدنی ایجاد می کنند، اما مسئولیت کیفری ایجاد نمی کنند: زیرا سوء نیتی که رکن توصیف عمل به عنوان جرم باشد وجود ندارد: مانند اتلاف غیر عمدی مال دیگری. بالعکس برخی اعمال از آن حیث که منافی نظم اجتماع هستند جرم توصیف می شوند و از آن حیث که موجب ضرر و زیان مدعی خصوصی هستند مسئولیت مدنی تولید می کنند: مانند سرقت، خیانت در امانت، کلاهبرداری و تخریب عمدی اموال و ... و از طرف دیگر برخی از اعمال مسئولیت کیفری ایجاد می کنند اما مسئولیت مدنی ایجاد نمی کنند مانند: ولگردی، تکدی گری، برخی از جرایم سیاسی و ...

ایفای ناروا

ایفای ناروا در مقابل ایفای ۱۹؛

ایفای ناروا در جایی است که کسی به دیگری مدیون نباشد، دینی را به او ادا کند؛

پس دو نفر در ایفای ناروا وجود دارند؛ گیرنده مال و دهنده مال؛

دهنده مال یا به تصور این که مدیون است [اشتباهاً]، دین را پرداخت کرده و یا این که می دانست که بدهکار نیست اما در اثر اجبار دین را پرداخت کرده است؛

اشتباه در پرداخت: اساساً چنین دینی وجود نداشته یا وجود داشته اما ابراء شده است یا بدهکار شخص دیگری بوده و پرداخت کننده ملزم به چنین پرداختی نبوده است؛

گیرنده مال یا عالم به عدم استحقاق خود است و یا جاهل.

ماده ۳۰۱: کسی که عمداً [عالم] یا اشتباهاً [جاهل] چیزی را که مستحق نبوده است دریافت کند ملزم است آن را به مالک تسلیم کند.

مفاد ماده ۲۶۵ ق.م.ا و دلالت پرداخت بر وجود دین قبلی سبب می شود که مدعی ناچار شود اشتباه خود را در پرداخت اثبات کند، مگر این که بتواند از راه دیگری (از جمله اثبات اکراه یا حيله) به همان نتیجه برسد و دلالت پرداخت بر وجود دین را خنثی می کند.

^۱ - ماده ۲۶۵ ق.م. هر کس مالی به دیگری بدهد ظاهر [اماره] در عدم تبرع است بنابراین اگر کسی چیزی به دیگری بدهد بدون این که مقروض [مدیون] آن چیز باشد می تواند استرداد کند.

⊕ در این ماده گیرنده مال را در دو حالت علم و جهل به عدم استحقاقش می گوید، اما در ماده بعد [۳۰۲] دهنده مال را که در حالت جهل است بیان می کند؛

⊕ گیرنده مال چه در حالت علم به عدم استحقاق و چه در حالت جهل بر این موضوع، ضامن است و ید او ید ضمانی محسوب می شود؛ احکام غصب بر آن جاری است [ماده ۳۰۳ ق.م.].

ماده ۳۰۲: اگر کسی که اشتبهاً خود را مدیون می دانست آن دین را تادیه کند حق دارد از کسی که آن را بدون حق اخذ کرده است استرداد نماید.

★ این ماده ناظر به موردی است که گیرنده طلبکار است و دینی وجود دارد اما پرداخت کننده مدیون آن نیست و از آن نباید استفاده کرد که اشتباه پرداخت کننده رکن اساسی ایجاد حق استرداد است.

⊕ در حالتی که پرداخت کننده به مدیون بودن خود آگاه باشد؛ دو حالت دارد؛ یا قصد او تبرعی بودن پرداخت است و یا مشمول ماده ۳۰۶ ق.م. [اداره فضولی، به شرط جمع بودن شرایط آن] می شود؛

⊕ پرداخت دین معلق، پیش از وقوع معلق علیه، ایفای ناروا و قابل استرداد است؛

⊕ پرداخت دین موجل: چون دین موجل پیش از رسیدن اجل، دین موجودی است که تنها پرداخت آن به تعویق افتاده و در موارد شایع که اجل تنها به سود مدیون است وی می تواند از اجل بگذرد و دین را پیش از سررسید پرداخت کند و چنین پرداختی ناروا نیست، اما اگر پرداخت پیش از موعد به اشتباه یا در اثر تقلب و حيله صورت گرفته باشد قابل استرداد است.

ماده ۳۰۳: کسی که مالی را من غیر حق دریافت کرده است ضامن عین و منافع آن است، اعم از این که به عدم استحقاق خود عالم باشد یا جاهل.

★ معیار تعیین میزان مسئولیت متصرف ضروری است که به مالک وارد آمده، نه منفعتی که او از تصرف برده است.

★ طبق این ماده گیرنده چه عالم باشد و چه جاهل، مانند غاصب است و یدش ضمانی است؛ یعنی مطلقاً مسئول است و اثبات وجود حادثه خارجی و قهری در تلف مال و حسن نیت گیرنده از مسئولیت او نمی کاهد و بی فایده است. علم و جهل گیرنده فقط در ماده ۳۰۵ ق.م. در مورد مخارج نگهداری مال موثر است.

ماده ۳۰۴: اگر کسی که چیزی را من غیر حق دریافت کرده است، خود را محق می دانسته لیکن در واقع محق نبوده [جاهل برده] و آن چیز را فروخته باشد معامله فضولی و تابع احکام مربوطه به آن خواهد بود.

⊕ فقط منطوق این ماده درست است و مفهوم مخالف آن حجت نیست؛ گیرنده مال چه در صورت جهل و چه در صورت علم به عدم استحقاق خود، اگر مال را بفروشد معامله او فضولی و تابع احکام فضولی است.

هزینه نگهداری مال غیر

ماده ۳۰۵: در مورد مواد فوق [در ایفای ناروا]، صاحب مال [دهنده مال] باید از عهده مخارج لازمه که برای نگاهداری آن شده است برآید [اصل بر جهل متصرف]؛ مگر در صورت علم متصرف به عدم استحقاق خود.

- ⊕ علم و جهل متصرف به عدم استحقاق خود، فقط در مورد مخارج نگهداری از مال موثر است؛
- ⊕ اگر متصرف عالم باشد: مخارج نگهداری از مال با خود متصرف است؛ بنا بر قاعده اقدام؛
- ⊕ اگر متصرف جاهل باشد: مخارج فوق با صاحب مال است؛
- ⊕ اصل بر جاهل بودن متصرف است و مدعی عالم بودن متصرف، باید علم او را ثابت کند؛ در همه جا بین علم و جهل، اصل بر جهل است.
- ⊕ الزاماً هر مالی هزینه نگهداری ندارد؛ این بحث فقط در اموالی مطرح می شود که برای نگهداری مخارجی لازم داشته باشد.

اداره فضولی مال غیر

- ⊖ اداره مال غیر: نوعی استیفای صاحب مال، از اقدامات شخصی است که آن را مدیر فضولی می نامند؛
- علل نگرفتن اذن فضول از مالک: عدم دسترسی به مالک، و یا این که تاخیر موجب ضرر مالک بشود و ...؛
- با جمع شدن این شرایط مدیر اگر مال را اداره کرد، می تواند مخارج را از مالک بگیرد؛ بین مالک و مدیر فضول هیچ عقدی وجود ندارد؛ که به آن واقعه حقوقی ارادی می گویند. البته ناشی از قانون [ناشی از ماده ۳۰۶ ق.م.ا]؛

مجموع شرایطی که مدیر فضول مستحق اجرت المثل می باشد:

۱. مالک به عللی از قبیل: محجور و یا پیر بودن، غایب بودن، ناتوان بودن و ... نمی تواند مالش را اداره کند؛
۲. ضرری بالفعل مال را تهدید کند؛
۳. مدیر فضول به صاحب مال دسترسی نداشته باشد؛
۴. عدم دخالت یا تاخیر در دخالت موجب ضرر و زیان صاحب مال بشود.

ماده ۳۰۶: اگر کسی اموال غایب یا محجور و امثال آن ها را بدون اجازه مالک یا کسی که حق اجازه دارد اداره کند، باید حساب زمان تصدی خود را بدهد، در صورتی که تحصیل اجازه در موقع مقدور بوده یا تاخیر در دخالت موجب ضرر نبوده است حق مطالبه مخارج نخواهد داشت، ولی اگر عدم دخالت یا تاخیر در دخالت موجب ضرر صاحب مال باشد، دخالت کننده مستحق اخذ مخارجی خواهد بود که برای اداره کردن لازم بوده است.

- ⊖ شبه عقد: عملی ارادی و مشروع است که بی آن که اعلام توافق و دو اراده در میان باشد، تعهد ایجاد می کند.

ضمان قهری

ماده ۳۰۷: امور ذیل موجب ضمان قهری است:

۱. غصب و آن چه که در حکم غصب است؛ [واقعه حقوقی ارادی].

۲. اتلاف؛ [واقعه حقوقی ارادی].

۳. تسبیب؛ [واقعه حقوقی ارادی].

۴. استیفاء. [از کار دیگری و یا از مال دیگری] - [واقعه حقوقی ارادی].

⊕ در سه مورد اول شخص فعل ضرر بار انجام داده، اما در مورد استیفاء، فرد از مال دیگری استفاده کرده و یا از کار دیگری که محترم است استفاده کرده و اجرت آن را پرداخت نکرده است.

غصب

⊖ تعریف غصب دارای سه رکن است: استیلاء، بر حق غیر و به نحو عدوان: مانند سرقت.

استیلاء:

⊖ استیلاء یعنی سلطه یافتن و تصرف کردن. غاصب باید مالی را تصرف کند تا غصب واقع بشود. صرف ممانعت مشمول غصب نمی شود، اما ضمان از باب تسبیب و اتلاف هم چنان باقی است. ماده ۳۰۹ ق.م؛

حق غیر:

⊖ طبق ماده ۳۰۸ ق.م. گستره غصب خیلی وسیع است و فقط شامل اشیاء نمی شود و حقوق مالی را نیز در بر می گیرد؛ چون حق از مال گسترده تر است. مانند حق انتفاع؛

به نحو عدوان:

⊖ به نحو عدوان یعنی غاصب عالم بر بی حقی خود باشد. پس اگر فرد به تصور این که جواز تصرف دارد در مال غیر تصرف کند، غاصب نیست بلکه در حکم غاصب است.

ماده ۳۰۸: غصب استیلائی بر حق غیر است به نحو عدوان. اثبات ید بر مال غیر بدون مجوز هم در حکم غصب است.

اثبات ید بر مال غیر:

❧ «شبه غصب» یا «در حکم غصب»: مربوط به جایی است که شروع استیلا به اذن مالک باشد ولی بدون

مجوز و پس از قطع اذن [انکار یا امتناع از رد] ادامه یابد. مواد ۳۱۰ و ۶۳۱ و ۲۷۸ ق.م.ا^۱

• در مورد شبه غصب [در حکم غصب]: ممتنع یا منکر از زمان امتناع یا انکار در حکم غاصب است.

نمونه های دیگری از «در حکم غصب»:

♣ در جایی است که یک معامله فضولی منعقد می شود: اگر خریدار [اصیل] جاهل باشد، ید او ضمانی و در

حکم غصب است. ماده ۳۲۵ ق.م.ا^۲

♣ مقبوض به عقد فاسد نیز در حکم غاصب است.

ماده ۳۱۰: اگر کسی [امین] که مالی به عاریه یا به ودیعه و امثال آن ها در دست اوست منکر گردد [یا امتناع کند]، از تاریخ

انکار [یا امتناع] در حکم غاصب [شبه غصب] است.

⊕ این ماده مشمول بند دوم ماده ۳۰۸ ق.م.ا می باشد؛ در حکم غصب.

^۱ - مواد ۶۳۱ و ۲۷۸ ق.م.ا:

❧ ماده ۶۳۱ ق.م.ا: هرگاه کسی مال غیر را به عنوانی غیر از مستودع متصرف باشد و مقررات این قانون او را نسبت به آن مال امین قرار داده باشد، مثل مستودع است: بنابراین مستاجر نسبت به عین مستاجر، قیم یا ولی نسبت به مال صغیر یا مولی علیه و امثال آن ها ضامن نمی باشد، مگر در صورت تفریط یا تعدی؛ و در صورت استحقاق مالک به استرداد، از تاریخ مطالبه او و امتناع متصرف با امکان رد، متصرف مسئول تلف و هر نقص یا عیبی خواهد بود، اگر چه مستند به فعل او نباشد؛

❧ ماده ۲۷۸ ق.م.ا: اگر موضوع تعهد [تسلیم] عین معینی باشد، تسلیم آن به صاحبش در وضعیتی که حین تسلیم دارد موجب برائت متعهد [امین] می شود، اگر چه کسر و نقصان داشته باشد، مشروط بر این که کسر و نقصان از تعدی یا تفریط متعهد ناشی نشده باشد، مگر در مواردی که در این قانون تصریح شده است. [عاریه طلا و نقره ماده ۶۴۴ و شرط ضمان ماده ۶۴۲] ولی، اگر متعهد با انقضای اجل و مطالبه، [ماده ۳۱۰] تاخیر در تسلیم نموده باشد، مسئول هر کسر و نقصان [حتی فورس ماژور] خواهد بود [از زمان انکار] اگر چه کسر و نقصان مربوط به تقصیر شخص متعهد نباشد.

^۲ - ماده ۳۲۵ ق.م.ا: اگر مشتری جاهل به غصب بوده و مالک به او رجوع نموده باشد، او [مشتری جاهل] نیز می تواند نسبت به ثمن و خسارات به بایع [فضول] رجوع کند اگر چه مبیع نزد خود مشتری تلف شده باشد؛ و اگر مالک نسبت به مثل یا قیمت رجوع به بایع کند، بایع حق رجوع به مشتری [جاهل] را نخواهد داشت.

ممانعت از حق

ماده ۳۰۹: هرگاه شخصی مالک [صاحب حق] را از تصرف در مال خود مانع شود، بدون آن که خود او تسلط بر آن مال پیدا کند، غاصب محسوب نمی شود لیکن در صورت اتلاف یا تسبیت ضامن خواهد بود.

⊕ علت این است که غاصب باید بر مال استیلاء داشته باشد تا عنوان غصب بر آن جاری شود و با صرف ممانعت غصب واقع نمی شود؛

• مثال: شخصی مانع صاحب خانه ای از ورود او به خانه اش می شود و ممنوع شب را در هتل به سر می برد که وی می تواند برای هزینه هتل به مانع رجوع کند.

مسئولیت غاصب

ماده ۳۱۱: غاصب باید مال مغضوب را عیناً به صاحب آن رد نماید؛ و اگر عین تلف شده باشد باید مثل یا قیمت [بدل] آن را بدهد؛ و اگر به علت دیگری رد عین ممکن نباشد باید بدل [بدل حیلوله] آن را بدهد.

⊕ ید غاصب ضمانتی است و در هر حال مسئول است. به مسئولیت غاصب مسئولیت عینی، مطلق یا محض می گویند؛

⊕ در غصب، آخرین غاصب متعهد به رد عین مال و سایر غاصبین، متعهد به فعل ثالث (آخرین ثالث) هستند؛^۱

⊕ غاصب نمی تواند قوه قاهره را مستند فعل خویش قرار دهد.

حالات مسئولیت غاصب

عین مال موجود است:

⊖ غاصب باید عین مال را پس بدهد، خواه زیاد شده باشد و خواه کم. در مورد کم و زیاده، ماده ۱۱۴ و ۱۱۵ حکم می کنند؛

^۱ - یعنی آخرین غاصب [کسی که مال در دست اوست و یا در دست او تلف شده است]، مدیون اصلی است و غاصبین سابق بر آن ضامن [متعهد به فعل ثالث] می باشند.

اگر مال تلف شده باشد:

➤ در این حالت غاصب باید بدل^۱ [مثل یا قیمت] آن را بدهد؛ اگر مال مثلی بود، مثل آن و اگر مال قیمی بود، قیمت آن پرداخت می شود؛

عدم امکان رد مال:

➤ [مال تلف نشده و موجود است، اما مفقود شده است]:^۲ در این حالت غاصب باید بدل حیلولة بدهد.

بدل حیلولة

➤ **بدل حیلولة:** برگرفته از حایل، حایل دیواری است مابین مالک و مال؛ بدل حیلولة در قانون اجرای احکام مدنی آمده است؛

➤ **بدل حیلولة:** مالی است شبیه مال مغضوب؛ غاصب باید بدل حیلولة را به مالک بدهد و تا زمانی که مال اصلی [غصب شده] را پیدا نکرده است، بدل در ملکیت مالک مال اصلی است و ملک او محسوب شده [چون از جنس غرامت است] و می تواند هر تصرفی که بخواهد در آن انجام دهد. [ماده ۳۰ ق.م.]:^۳ یعنی خسارت عدم انجام تعهد است و به مالک تملیک می شود؛

- هرگاه غاصب مال گم شده را پیدا کند و به مالک برگرداند، بدل حیلولة را پس می گیرد [شرط فاسخ دادن بدل] و اگر بدل حیلولة تلف شده باشد و یا در ید مالک نباشد، مالک مال خودش را پس می گیرد و مثل یا قیمت بدل حیلولة را به غاصب می دهد؛
- امتناع مالک در رد بدل حیلولة در فرض اخیر [فرضی که مال مالک به او رد شده است]: مالک در حکم غاصب است.

^۱ - بدل، نوعی خسارت عدم انجام تعهد است: ماده ۷۹۱ ق.م.ا. اگر عین مرهونه به واسطه عمل خود راهن یا شخص دیگری تلف شود، باید تلف کننده بدل آن [مثل یا قیمت] را بدهد و بدل مزبور [خود به خود] رهن خواهد بود.

^۲ - مالی که مفقود می شود، ممکن است تلف نشده باشد.

^۳ - ماده ۳۰ ق.م.ا. هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه گونه تصرف و انتفاع دارد، مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد.

یافت نشدن و از مالیت افتادن مال مغضوب

ماده ۳۱۲: هرگاه مال مغضوب مثلی بوده و مثل آن پیدا نشود، غاصب باید قیمت حین الاداء [یوم الرد]^۱ را بدهد و اگر مثل موجود بوده و از مالیت افتاده باشد باید آخرین قیمت آن را بدهد.

⊕ مثل آن پیدا نشود: یعنی قیمی می شود و باید مانند مال قیمی با آن رفتار کرد؛

⊕ آخرین قیمت: قیمت زمانی که مال مالیت داشته است.

فروض ماده ۳۱۲ ق.م.

- فرض اول: مال مغضوب مثلی بوده و دو حالت دارد: تلف شده و یا از مالیت افتاده و مثل آن هم پیدا نشود؛
- فرض دوم: مال قیمی بوده و تلف شده است.

مال مغضوب مثلی بوده و تلف شده است و مثل آن هم دیگر وجود ندارد:^۲

➔ در این حالت غاصب باید قیمت زمان اداء را بدهد؛ مسئولیت اصلی غاصب رد عین است که با صدور حکم دادگاه این مسئولیت تبدیل به معادل ریالی آن می شود.

مال مغضوب مثلی بوده و از مالیت [قیمت] افتاده باشد:^۳

➔ در این حالت غاصب باید آخرین قیمت [قیمت زمان تلف] را به عنوان ضمان ناشی از غصب و تفاوت آن با قیمت زمان غصب را به عنوان تسبیب پردازد، مشروط بر این که مقصر باشد و میان تقصیر او و ضرر و زیان ناشی از کسر قیمت رابطه سببیت موجود باشد.

^۱ - ماده ۶۴۸ ق.م: قرض عقدی است که به موجب آن احد طرفین مقدار معینی از مال [مثلی] خود را به طرف دیگر تملیک می کند که طرف مزبور مثل آن را از حیث مقدار و جنس وصف رد نماید، و در صورت تعذر رد مثل، قیمت یوم الرد را بدهد. [قرض تنها عقدی است که مال در آن باید مثلی باشد].

^۲ - مانند خودروی پیکان صفر، که دیگر تولید نمی شود.

^۳ - مانند اسکناس هایی که دیگر داد و ستد نمی شوند - به عبارت دیگر، دولت آن ها را بی اعتبار دانسته است: مثل چک پول ۵۰۰ هزار تومانی.

مال مغضوب قیمی بوده و تلف شده است:

➡ در این صورت غاصب باید قیمت زمان اداء را بدهد.

قاعده:

⊖ در غصب، اگر قیمتی که طبق قانون از غاصب اخذ می شود خسارت مالک را جبران نکند، وی می تواند ضرر مازاد بر آن را هم بگیرد اما نه از باب غصب، از باب تسبیب.

بنا و غرس در زمین دیگری

ماده ۳۱۳: هر گاه کسی در زمین خود با مصالح متعلقه به دیگری بنایی بسازد یا درخت غیر را بدون اذن مالک در آن زمین غرس [کاشتن] کند صاحب مصالح یا درخت می تواند قلع [کندن] یا نزع [جدا کردن] آن را بخواهد، مگر این که به اخذ قیمت تراضی نمایند.

بهای افزوده در نتیجه عمل غاصب

ماده ۳۱۴: اگر در نتیجه عمل غاصب قیمت مال مغضوب زیاد شود، غاصب حق مطالبه قیمت زیادی را نخواهد داشت، مگر این که آن زیادتی عین باشد که در این صورت عین زاید متعلق به خود غاصب است.^۱

⊕ کار غاصب هدر است و نمی تواند حق الزحمه بگیرد؛

⊕ مثال در مورد زیادتی که عین متعلق به غاصب باشد: مانند خرید زاپاس توسط غاصب برای ماشین غصب شده.

^۱ - ماده ۳۳ ق.م.نماء و محصولی که از زمین حاصل می شود مال مالک زمین است، چه به خودی خود روییده باشد یا به واسطه عملیات مالک، مگر اینکه نماء یا حاصل از اصله یا حبه غیر حاصل شده باشد، که در این صورت، درخت و محصول مال صاحب اصله یا حبه خواهد بود، اگر چه بدون رضای صاحب زمین کاشته شده باشد.

ضمان غاصب

ماده ۳۱۵: غاصب مسئول هر نقص و عیبی است که در زمان تصرف او به مال مغضوب وارد شده باشد، هر چند مستند به فعل او نباشد.^۱

⊕ ضمان غاصب مطلق است؛ یعنی فرقی نمی کند که نقص و عیب نتیجه عمل غاصب باشد و یا دیگری. در هر صورت غاصب ضامن است؛

⊕ اگر سارقی بعد از سرقت با ماشین مسروقه تصادفی کند که راننده مقابل مقصر است: مالک می تواند از باب غصب به غاصب [سارق] رجوع کند و هم چنین از باب تسبیب به راننده مقصر.

تعاقب ایادی^۲

غصب از غاصب:

ماده ۳۱۶: اگر کسی مال مغضوب را از غاصب غصب کند، آن شخص نیز مثل غاصب سابق ضامن است، اگر چه به غاصبیت غاصب اولی جاهل باشد.

⊕ از لفظ «نیز» می فهمیم که: غاصب اولی هم همچنان ضامن باقی می ماند؛

⊕ مبنای مسئولیت مدنی ضمان غاصب: با نظریه تضمین انطباق دارد.

تضامن غاصبان در (د عین):

ماده ۳۱۷: مالک می تواند عین و در صورت تلف شدن عین، مثل یا قیمت تمام یا قسمتی از مال مغضوب را از غاصب اولی یا از هر یک از غاصبین بعدی که بخواهد مطالبه کند.

^۱ - مواد مرتبط:

* ماده ۶۳۱ ق.م: هر گاه کسی مال غیر را به عنوانی غیر از مستودع متصرف باشد و مقررات این قانون او را نسبت به آن مال امین قرار داده باشد، مثل مستودع است: بنابراین مستاجر نسبت به عین مستاجر، قیم یا ولی نسبت به مال صغیر یا مولی علیه و امثال آن ها ضامن نمی باشد، مگر در صورت تفریط یا تعدی؛ و در صورت استحقاق مالک به استرداد، از تاریخ مطالبه او و امتناع متصرف با امکان رد، متصرف مسئول تلف و هر نقص یا عیبی خواهد بود، اگر چه مستند به فعل او نباشد؛

* ماده ۴۹۳ ق.م: مستاجر نسبت به عین مستاجر ضامن نیست [امین است] به این معنی که، اگر عین مستاجر بدون تفریط یا تعدی او کلاً یا بعضاً تلف شود، مسئول نخواهد بود. ولی، اگر مستاجر تفریط یا تعدی نماید، ضامن است اگر چه نقص در نتیجه تفریط یا تعدی حاصل نشده باشد.

^۲ - به آن «ترتب ایادی» نیز می گویند.

در تعاقب ایادی دو حالت متصور است:

۱. مال در دست غاصب آخری موجود است؛

۲. مال در ید آخرین غاصب تلف شده است.

اگر مال موجود باشد:

➔ غاصبی که مال در دست اوست [غاصب آخری] متعهد به رد مال است. و مابقی غاصبان [ضامنان] متعهد به

فعل ثالث^۱ می باشند؛ طبق ماده ۳۱۷ ق.م. مالک می تواند بدون رعایت تقدم و تاخر به هر کدام از غاصبین که

بخواهد رجوع کند؛

✓ چون دین واحد است، ایفای دین از جانب یکی از آن ها، ذمه همه را در مقابل مالک بری می کند.

اگر مال تلف شده باشد:

➔ همه غاصبان [اعم از مُتَلَف و غیر مُتَلَف] متعهد به رد بدل مال هستند.

نکته:

➔ در غصب مسئولیت ایادی متعاقب نسبت به عین مال، تضامنی عرضی است.

رجوع غاصبان به یکدیگر:

ماده ۳۱۸: هر گاه مالک رجوع کند به غاصبی که مال مغضوب در ید او تلف شده است [غاصب آخری]، آن شخص حق رجوع

به غاصب دیگر ندارد [چون متلف مدیون اصلی است]؛ ولی اگر به غاصب دیگری به غیر آن کسی که مال در ید او تلف شده

است رجوع نماید، مشارالیه نیز می تواند به کسی که مال در ید او تلف شده است رجوع کند و یا به یکی از لاحقین خود

[غاصبین بعد از خود] رجوع کند، تا منتهی شود به کسی که مال در ید او تلف شده است و به طور کلی ضمان [دین] بر عهده

کسی مستقر است که مال مغضوب در نزد او تلف شده است [علت تلف و تلف کننده مهم نیست].

⊕ اگر مالک بدل را از مدیون اصلی [غاصب آخری] بگیرد؛ در این حالت چون مدیون اصلی دین را پرداخته،

ضامنان [مابقی غاصبان] بری می شوند؛

^۱ - ثالث: در اینجا یعنی غاصب آخری، که مال در ید اوست.

⊕ در تعاقب ایادی هر غاصبی که به مالک خسارت می هد فقط می تواند از بعدی هایش بگیرد مگر: درجایی که روی مال مغضوب معامله فضولی رخ داده باشد: به این شرح که یکی از غاصبین مال را به شخصی که از غاصب بودن مال بی خبر بوده [جاهل باشد] بفروشد: در این حالت خریدار جاهل می تواند از قبلی اش از باب غرور خسارت بگیرد [رک. ماده ۳۲۵] و از بعدی ها هم از باب غصب. نکته این که خریدار اگر عالم باشد غاصب است و حق رجوع به ماقبل خود ندارد.

ماده ۳۱۸ در یک نگاه

رجوع مالک به غاصب مُتَلَف:

⊖ غاصب مُتَلَف حق رجوع به سایر غاصبین را ندارد، مگر در مورد جهل در معامله فضولی و یا مغرور شدن وی. که در این صورت به کسی که او را فریفته حق رجوع دارد.

رجوع مالک به غاصب غیرمُتَلَف:

⊖ غاصب دیگر به ایادی ماقبل خود حق رجوع دارد تا جایی که مال تلف شده است؛ در اینجا هم اگر غاصبی که دین را پرداخته مغرور بوده و یا با جهل به غصب معامله کرده است حق رجوع به مغرور کننده را نیز دارد.

گرفتن مال مغضوب از یکی از غاصبان:

ماده ۳۱۹: اگر مالک تمام یا قسمتی از مال مغضوب را از یکی از غاصبین بگیرد حق رجوع به قدر ماخوذ به غاصبین دیگر ندارد.

⊕ مالک بیش از حق خود از مجموع مسئولان نمی گیرد و هر بخش از خسارت که وصول شود دیگران نیز از آن بری می شوند.

ضمان غاصبان در مورد منافع

ماده ۳۲۰: نسبت به منافع مال مغضوب هر یک از غاصبین به اندازه منافع زمان تصرف خود و مابعد خود ضامن است، اگر چه استیفاء منفعت نکرده باشد؛ لیکن غاصبی که از عهده منافع زمان تصرف غاصبین لاحق خود برآمده است می تواند به هر یک نسبت به زمان تصرف او رجوع کند.^۱

⊕ نسبت به منافع مال مغضوب، هر غاصب مسئول منافع زمان تصرف خود و لاحقین خود بوده و حق رجوع به هر یک از غاصبین لاحق را فقط نسبت به منافع زمان تصرف او دارد.

شرح ماده ۳۲۰ ق.م.

⊖ قسمت اول این ماده مسئولیت تضامنی غاصبان متعدد را در مقابل مالک مطرح است. اما در قسمت دوم بحث تصفیه حساب بین خود غاصبان و توزیع مسئولیت در مورد عوض منافع مطرح است؛

قسمت اول ماده ۳۲۰ ق.م:

- در مورد مسئولیت تضامنی غاصبان در مقابل مالک باید عنوان کرد که مطابق فرمول ماده، هر غاصب به اندازه زمان تصرف خود بعلاوه لاحقین خود مسئولیت دارد؛
- از این لحاظ غاصب اول سنگین ترین مسئولیت را دارد، زیرا سایر غاصبین لاحق بر او هستند. و غاصب آخر سبک ترین مسئولیت را دارد، چون هیچ لاحقی ندارد؛
- در مورد مسئولیت هر غاصب در مقابل مالک: مسئولیت او در مورد منافع مدت تصرف خودش مسئولیت استقلالی است که در حقیقت از جیب او باید محاسبه شود ولی مسئولیت او در مورد منافع زمان تصرف لاحقین وی، مسئولیتی تضامنی است که نهایتاً بین خود غاصبان محاسبه و توزیع می شود.

^۱ - مواد مرتبط:

- * ماده ۳۶۶ ق.م: هر گاه کسی به بیع فاسد مالی را قبض کند [ضمان مقبوض به عقد فاسد - در حکم غصب است]، باید آن را به صاحبش رد کند و اگر تلف یا ناقص شود ضامن عین و منافع [مستوفات و غیر مستوفات] آن خواهد بود؛
- * ماده ۴۹۳ ق.م: مستاجر نسبت به عین مستاجر ضامن نیست [امین است] به این معنی که، اگر عین مستاجر بدون تفریط یا تعدی او کلاً یا بعضاً تلف شود، مسئول نخواهد بود. ولی، اگر مستاجر تفریط یا تعدی نماید، ضامن است اگر چه نقص در نتیجه تفریط یا تعدی حاصل نشده باشد.

قسمت دوم ماده ۳۲۰ ق.م:

- در مورد قسمت دوم ماده باید گفت که هر غاصبی که عوض منافع زمان تصرف لاحقین خود را هم به مالک پرداخته است، غاصبان لاحق بر او در مقام تصفیه حساب در مقابل وی [پرداخت کننده] مسئولیت تضامنی ندارند؛
- بنابراین وی ناچار است علیه هر یک از آن ها به طور مستقل طرح دعوا کرده و فقط عوض منافع مدت تصرف شخص او را بخواهد.

ضمان غاصبان در مورد منافع به طور کلی

- **منافع مال مغضوب:** هر غاصب ضامن منافع زمان تصرف خود و زمان تصرف لاحقین خود؛
- **پرداخت کامل توسط یک غاصب [زمان تصرف خود و لاحقین]:** فقط می تواند به غاصبین لاحق خود رجوع کند و به سایر غاصبین [مقابل خود] نمی تواند رجوع کند مگر در صورت اذن از جانب مالک.

طریقه رجوع

۱. مالک حق رجوع به هر یک از غاصبین را دارد و می تواند خسارت منافع زمان او و مابعد او را به صورت یکجا بگیرد: در مقابل مالک، عالم و جاهل بودن غاصب فرقی نمی کند؛
۲. اما غاصب پرداخت کننده خسارت منافع، فقط به لاحقین خود می تواند رجوع کند، آن هم به هر یک به اندازه تصرف او؛ مثلاً اگر هر غاصب یک ماه مال مغضوبه در ید او باشد، غاصب پرداخت کننده به اندازه همان یک ماه می تواند از او خسارت منافع بگیرد.

ابراء یا انتقال و یا اسقاط حق

ماده ۳۲۱: هرگاه مالک ذمه یکی از غاصبین را نسبت به مثل یا قیمت مال مغضوب ابراء کند، حق رجوع به غاصبین دیگر نخواهد داشت؛ ولی، اگر حق خود را به یکی از آنان [ضامنان] به نحوی از انحاء انتقال دهد، آن کس قائم مقام مالک می شود و دارای همان حقی خواهد بود که مالک دارا بوده است.

حالات متصور از این ماده

مالک یکی از غاصبین را نسبت به مثل یا قیمت ابراء می کند:

- ابراء اسقاط حق است و مستقیم به دین می خورد و چون دین واحد است و همه غاصبان ضامن یک بدل هستند، با ابراء مثل یا قیمت یا بدل، همه بری می شوند.

مالک حق رجوع به یکی از غاصبین را ساقط^۱ می کند:

- فقط آن غاصب [ضامن] بری می شود و حق رجوع مالک به دیگر غاصبان همچنان باقی است.^۲

مالک طلبش را به یک از غاصبین [ضامنین] [غیر از آفری] انتقال می دهد:

- آن غاصب [ضامن] قائم مقام مالک می شود و او همان حقی را خواهد داشت که مالک دارا بود است.^۳

مالک طلبش را به آفرین غاصب [مدیون اصلی] انتقال می دهد:

- مالکیت مافی الذمه رخ می دهد^۴ و همه بری می شوند؛ غاصب آخری هم حق رجوع به هیچ کس را ندارد.

^۱ - اسقاط حق مالی، ایقاع است.

^۲ - اگر مالک از حق رجوع به یکی از غاصبین بگذرد، این اسقاط مانع از رجوع به دیگران نیست. دکتر کاتوزیان - حاشیه ذیل ماده ۳۲۱ ق.م.

^۳ - یعنی می تواند به همه غاصبین، حتی غاصبین قبل از خود نیز رجوع کند.

^۴ - رک. مبحث آخر از فصل آخر جزوه مدنی ۳.

ابرای یکی از غاصبان در مورد منافع

ماده ۳۲۲: ابرای ذمه یکی از غاصبین نسبت به منافع زمان تصرف او موجب ابرای ذمه دیگران از حصه آن ها نخواهد بود، لیکن اگر یکی از غاصبین را نسبت به منافع عین [خودش و بعدی هایش] ابراء کند حق رجوع به لاحقین نخواهد داشت.

حالات متصور از این ماده

مالک یکی از غاصبین را نسبت به منافع فودش ابراء کند:

➤ فقط همان غاصب بری می شود؛ زیرا دیگران مُتَعَلِّق و مخاطب ابرای مالک نبوده اند.

مالک یکی از غاصبین را نسبت به منافع عین ابراء کند:

➤ در این حالت ابراء به غاصب مورد مخاطب و لاحقین او می خورد [خودش و بعدی هایش] و شامل غاصبین سابق بر آن ها نمی شود. اما مسئولیت تضامنی آن ها [غاصبان سابق] تقلیل پیدا می کند و مالک می تواند به آن ها رجوع کند و این حق همچنان باقی است. [البته با احتساب کسانی که ابراء شده اند].

منافع عین

➤ یعنی آن مقدار از منافی که مالک به حکم قانون می توانست از یک غاصب وصول کند؛ به طوری که می دانیم این مقدار عبارت است از: منافع مدت تصرف شخص غاصب بعلاوه همه لاحقین او.

شرح مواد ۳۲۳ الی ۳۲۷ ق.م.

- این مواد، مربوط به معاملات فضولی در غصب می باشد؛^۱
- ❖ خریدار مال مغضوب، در صورت عالم بودن، غاصب است و در صورت جاهل بودن، در حکم غاصب است. بنابراین در هر دو مورد، مالک، حق مراجعه به او را دارد؛
- اگر خریدار، عالم به مغضوب بودن مال باشد، فقط می تواند ثمن پرداختی به مالک را از بایع بگیرد ولی اگر خریدار، جاهل به غاصب بودن فروشنده باشد، می تواند ثمن و خسارات را از غاصب بگیرد.

^۱ - رک. جزوه «حقوق مدنی ۳» - فصل پنجم: معاملات فضولی.

ضمان خریدار مال مغضوب

ماده ۳۲۳: اگر کسی [اصیل] ملک مغضوب را از غاصب [فرض] بخرد [و آن را تصرف کند] آن کسی نیز [مغضوب و هم خریدار] ضامن است و مالک می تواند بر طبق مقررات مواد فوق به هر یک از بایع و مشتری رجوع کرده عین و در صورت تلف شدن آن مثل یا قیمت مال و هم چنین منافع آن را در هر حال مطالبه نماید.

- ⊕ خریدار ۴ حالت دارد: جاهل باشد، عالم باشد، استیفای منفعت کرده باشد و یا استفاء منفعت نکرده باشد؛
- ⊕ جهل مشتری در مقابل مالک قابل استناد نیست؛ اما در گرفتن خسارات پرداخت شده از فضول موثر است. شرح در مواد ۳۲۴ و ۳۲۵ ق.م.؛

ضمان مشتری عالم به غصب

ماده ۳۲۴: در صورتی که مشتری [اصیل] عالم به غصب باشد [غاصب] حکم رجوع هر یک از بایع و مشتری به یکدیگر در آن چه که مالک از آن ها گرفته است حکم غاصب از غاصب بوده تابع مقررات فوق خواهد بود.

- ⊕ مقررات فوق: یعنی تابع مقررات مواد ۳۱۷ الی ۳۲۰ ق.م. می باشد؛
- ⊕ خریدار ضامن است و مالک حق رجوع به او و به غاصب را دارد و می تواند به هر کدام که بخواهد رجوع کند؛
- ⊕ حق رجوع مالک: حسب مورد جهت اخذ مال، مثل یا قیمت آن بعلاوه منافع آن.

خریدار جاهل به غصب

ماده ۳۲۵: اگر مشتری جاهل به غصب بوده و مالک به او رجوع نموده باشد، او [مشتری جامل] نیز می تواند نسبت به ثمن و خسارات به بایع [فرض] رجوع کند اگر چه مبیع نزد خود مشتری تلف شده باشد؛ و اگر مالک نسبت به مثل یا قیمت رجوع به بایع کند، بایع حق رجوع به مشتری [جامل] را نخواهد داشت.

- ⊕ ید مشتری جاهل «در حکم غصب است» و مشمول ماده ۳۰۸ ق.م. می شود؛
- ⊕ مالک مال و خسارات را از مشتری جاهل اخذ کند: حق رجوع مشتری نسبت به ثمن و خسارات به بایع فضول محفوظ است؛ هر چند که مال نزد مشتری تلف شده باشد؛
- ⊕ مالک مال و خسارات را از بایع فضول اخذ کند: بایع حق رجوع به مشتری جاهل را ندارد.

جمع بندی

✍ در جمع مواد ۳۲۴ و ۳۲۶ و مفهوم مخالف ماده ۳۲۶ ق.م: اگر مشتری عالم باشد غاصب است و اگر به مالک خسارات بدهد، حق رجوع به بایع بابت خسارات داده شده را ندارد. و فقط می تواند بابت ثمن به بایع رجوع کند و یا این که اگر مال در يد بایع تلف شده باشد. بابت مثل یا قیمتی که به مالک داده است به بایع رجوع کند.

رجوع خریدار به غاصب:

ماده ۳۲۶: اگر عوضی که مشتری عالم بر غضب [قاعدۀ اقدام] در صورت تلف مبیع به مالک داده است زیاده بر مقدار ثمن باشد، به مقدار زیاده نمی تواند رجوع به بایع کند، ولی نسبت به مقدار ثمن حق رجوع دارد.

ترتیب ایادی به غیر غضب:

ماده ۳۲۷: اگر ترتیب [قرار گرفتن] ایادی بر مال مغضوب به معامله دیگری غیر از بیع باشد، احکام راجعه به بیع مال غضب که فوقاً ذکر شده مجراً خواهد بود.

اتلاف

تلف مال دیگری:

ماده ۳۲۸: هر کسی مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت [روز اداء] آن را بدهد، اعم از این که از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد [در اتلاف تقصیر لازم نیست] و اعم از این که عین باشد یا منفعت [و یا حق]، و اگر آن را ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است.

تفاوت اتلاف و تسبیب

- اتلاف ضرر مستقیم و بی واسطه است، اما تسبیب ضرر غیر مستقیم و با واسطه است؛
- اتلاف فقط با «فعل» صورت می گیرد، اما تسبیب هم با «فعل» و هم با «ترک فعل»؛
- در اتلاف، تقصیر مُتْلِف شرط نمی باشد، اما در تسبیب، تقصیر باید اثبات شود و شرط مسئولیت اثبات تقصیر است؛
- نظریه خطر با نظریه اتلاف و نظریه تقصیر با نظریه تسبیب هماهنگ است.

تخریب خانه و بنای دیگری:

ماده ۳۲۹: اگر کسی خانه یا بنای کسی را خراب کند، باید آن را به مثل صورت اول بنا نماید و اگر ممکن نباشد باید از عهده قیمت بر آید.

- ⊕ تا جایی که دادن مثل ممکن است [در موارد مثلی - و نه در مورد اموال قیمی]، بحث از دادن قیمت مطرح نمی شود؛
- ⊕ منظور از عهده قیمت: قیمت بنایی که خراب شده است: یعنی همان بنا قیمت گذاری می شود و نه قیمت تجدید بنا؛
- ⊕ هنگامی که بنا برای مثال دارای ارزش میراث فرهنگی می باشد، قدمت آن ارزش دارد.

کشتن حیوان دیگری:

ماده ۳۳۰: اگر کسی حیوان متعلق به غیر را بدون اذن صاحب آن بگشاید تفاوت قیمت زنده و کشته آن را بدهد و اگر کشته آن قیمت نداشته باشد باید تمام قیمت حیوان را بدهد و لیکن اگر برای دفاع از نفس بگشاید یا ناقص کند ضامن نیست.

نکات این ماده:

- ⊕ اگر با اذن بگشاید مسئول نیست: مانند دعوت قصاب برای ذبح حیوان؛
- ⊕ تفاوت قیمت زنده و کشته: ناظر بر حیوان حلال گوشت است، به شرطی که ذبح شود؛
- ⊕ کشته آن قیمت نداشته باشد: ناظر بر حیوان حرام گوشت است و یا زمانی که حیوان حلال گوشت بوده به صورت غیر شرعی کشته شود [ذبح نشود]؛
- ⊕ تمام قیمت [آخرین قیمت] را بدهد: چون از مالیت افتاده است: تا زمانی که مال از مالیت نیفتاده است مسبب باید تفاوت قیمت را بدهد نه این که مال را به طور کامل به او تحمیل کنیم.

دفاع عملی مباح است که:^۱

۱. در برابر تجاوزی نامشروع باشد؛
۲. در دید عرف و قانون تعدی محسوب نشود؛
۳. دفاع باید متناسب با ضرری باشد که شخص را تهدید می کند.

^۱ - دکتر کاتوزیان - حاشیه ذیل ماده ۳۳۰ ق.م.

تفاوت ضمان غاصب و مسئولیت مدنی

- در مسئولیت مدنی در مواردی که به طور استثنایی، مسئولیت بدون تقصیر پذیرفته شده باشد رابطه علیت مستقیم میان عمل زیانبار و ضرر وارده باید احراز گردد؛ ولی در غصب مهم نیست که میان فعل غاصب و تلف مال، رابطه علیت مستقیم وجود دارد یا نه؛
- در غصب، تنها زیان مادی جبران می گردد در حالی که مسئولیت مدنی، جبران زیان های جسمانی و معنوی را نیز شامل می شود؛
- ضمان غاصب از استیلا به نحو عدوان بر حق غیر سرچشمه می گیرد ولی در مسئولیت مدنی لزومی ندارد که مقدمه ورود زیان حتماً استیلا به نحو عدوان بر حق غیر باشد.

تسبیب

- مبنای عمده در مسئولیت مدنی تقصیر است؛ اما اصل عدم تقصیر است که باید اثبات شود.

ضمان مسبب تلف:

ماده ۳۳۱: هر کس سبب تلف مالی بشود باید مثل یا قیمت [روز اداء] آن را بدهد؛ و اگر سبب نقص یا عیب آن شده باشد باید از عهده نقص قیمت بر آید.

اجتماع سبب و مباشر تلف:

ماده ۳۳۲: هرگاه یک نفر سبب تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آن مال بشود، مباشر مسئول است نه مسبب، مگر این که سبب اقوی باشد به نحوی که عرفاً اطلاق [خسارت] مستند به او باشد. [سبب نزدیک و بی واسطه: ماده ۵۳۰ ق.م.ا.]

- در این مورد به مواد مربوطه در قانون مجازات اسلامی مراجعه شود [در همین جزوه].

ضمان صاحب دیوار و عمارت و کارخانه:

ماده ۳۳۳: صاحب دیوار یا عمارت یا کارخانه [صاحب مر مالی] مسئول خساراتی است که از خراب شدن آن وارد می شود، مشروط بر این که خرابی در نتیجه عیبی حاصل گردد که مالک مطلع بر آن بوده [و آن را تعمیر نکرده باشد] و یا از عدم مواظبت [متعارف] او تولید شده است.

⊕ مشروط بر ... : مفهوم کلی شرط: یعنی اگر تقصیر کرده باشد، مبتنی بر نظریه تقصیر؛

⊕ در حقوق ایران مسئولیت پیش بینی شده در قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در برابر اشخاص ثالث مبتنی بر نظریه خطر و مسئولیت پیش بینی شده در قانون مسئولیت مدنی مبتنی بر نظریه تقصیر است

➡ در این مورد به مواد مربوطه [ماده ۵۱۹] در قانون مجازات اسلامی مراجعه شود [در همین جزوه].

ضمان مالک و متصرف حیوان:

ماده ۳۳۴: مالک یا متصرف حیوان مسئول خساراتی نیست که از ناحیه آن حیوان وارد می شود، مگر این که در حفظ حیوان تقصیر کرده باشد [از باب تقصیر]؛ لیکن در هر حال، اگر حیوان به واسطه عمل کسی منشأ ضرر گردد، فاعل [اعم از هر کسی] آن عمل مسئول خسارات وارده خواهد بود.

تصادم دو وسیله نقلیه:

ماده ۳۳۵: در صورت تصادم بین دو کشتی یا دو قطار راه آهن یا دو اتومبیل و امثال آن ها مسئولیت متوجه طرفی خواهد بود که تصادم در نتیجه عمد یا مسامحه [تقصیر] او حاصل شده باشد؛ و اگر طرفین تقصیر یا مسامحه کرده باشند؛ هر دو مسئول خواهند بود.

⊕ تصادم: بر وزن تفاعل؛ به طور متقابل به هم صدمه زدن؛

⊕ تصادف: امری خارج از اراده، باعث آن انسان ها نیستند؛

⊕ مسامحه زیر مجموعه تقصیر است.

استیفاء

❶ استیفا واقع، مقوقی و از موارد ضمان قهری است.

❷ اکثر روابط حقوقی مردم بر اساس قراردادها حل و فصل می شود، لکن برخی از مناسبات بین مردم پیش می آید که در آن موارد شخصی از کار مشروع دیگری یا کار متعلق به غیر بهره برداری کرده و منتفع شده است. اما بین آنان هیچ قراردادی و یا قرارداد درستی وجود ندارد که بتوان بر اساس آن قرارداد اجرت آن منافع را خواستار شد و صرفاً یک اذن اولیه وجود دارد.

- استیفا بر دو نوع است: استیفا از کار دیگری [ماده ۳۳۶ ق.م.ا] و استیفا از مال دیگری [ماده ۳۳۷ ق.م.ا].

شرایط استیفا از عمل غیر

❶ با شرایط زیر عامل مستحق اجرت المثل عمل فوید است:

۱. شخص، از عامل، اقدام به عمل را، درخواست کرده باشد؛^۱ یعنی، عمل، نباید خودسرانه باشد؛
۲. عرفاً برای آن عمل اجرتی باشد، یعنی کار خرد و کوچک نباشد؛
۳. اگر کار خیلی کم اهمیت باشد، شخص عادتاً متصدی انجام آن عمل باشد؛
۴. عامل قصد تبرع نداشته باشد. که البته قصد تبرع مفروض نیست.

شرایط استفاده از مال غیر

❶ یعنی با شرایط زیر، استفاده کننده ملزم به پرداخت اجرت المثل می باشد:

۱. صاحب مال به استفاده از مال صریحاً یا ضمناً اذن بدهد: این عامل سبب می شود که استفاده کننده غاصب تلقی نشود؛
۲. فرد استفاده کننده، در واقعیت امر، استفاده مورد نظر را از مال برده باشد؛
۳. صاحب مال قصد تبرع نداشته باشد، که البته قصد تبرع مفروض نیست.

^۱ - و اجرت تعیین نکرده باشد؛ یعنی اجرت المسمی نیست، چرا که استیفاء عقد نیست.

استیفا از کار دیگری

ماده ۳۳۶: هرگاه کسی بر حسب امر [درخواست] دیگری اقدام به عملی نماید که عرفاً برای آن عمل اجرتی بوده و یا آن شخص عادتاً مهیای آن عمل باشد عامل مستحق اجرت [اجرت المثل] عمل خود خواهد بود، مگر این که معلوم شود قصد تبرع داشته است.

تبصره: چنانچه زوجه کارهایی را که شرعاً به عهده وی نبوده و عرفاً برای آن کار اجرت المثل باشد، به دستور زوج و با عدم قصد تبرع انجام داده باشد و برای دادگاه نیز ثابت شود، دادگاه اجرت المثل کارهای انجام گرفته را محاسبه و به پرداخت آن حکم می نماید (الحاقی ۱۳۸۱/۵/۹).

نکات تکمیلی این ماده:

- ⊕ این ماده مفهوم مخالف دارد. و حجت است. [دلالت التزامی است]؛
- ⊕ خود را مهیای آن عمل کرده: یعنی به خود وعده اجرت داده باشد. به عبارت دیگر عرفاً اجرت ندارد، اما طرف قصدش عدم تبرع است و اجرت می خواهد؛
- ⊕ استیفا بر مبنای توافق و تراضی است، اما عقد نیست؛^۱ هر توافقی عقد نیست، اما هر عقدی توافق است. رابطه عقد و توافق: عموم و خصوص مطلق؛
- ⊕ هرگاه طلاق به درخواست زوجه باشد و یا این که طلاق ناشی از تخلف زن از وظایف همسری یا سوء اخلاق و رفتار وی باشد، زن استحقاق دریافت اجرت ندارد.

استیفا از مال دیگری

ماده ۳۳۷: هرگاه کسی بر حسب اذن صریح یا ضمنی از مال غیر استیفای منفعت کند صاحب مال مستحق اجرت المثل خواهد بود مگر این که معلوم شود که اذن در انتفاع مجانی بوده است.^۲

- ★ مفاد این ماده ویژه استیفا از عین اموال نیست و شامل استفاده از انجام دادن کار دیگری نیز می شود.
- ★ استفاده از مال دیگری به طور معمول در دید عرف اجرت دارد. با وجود این، هرگاه به موردی که برخورد شود که ظهور در انتفاع مجانی داشته باشد [مانند دادن سه چرخه سواری به کودک]، الزامی به دادن اجرت المثل ندارد.^۳

^۱ - استیفاء طبق بند ۴ ماده ۳۰۷ ق.م.، از موجبات ضمان قهری است.

^۲ - ماده ۴۹۴ ق.م. عقد اجاره به محض انقضای مدت بر طرف [منفسخ] می شود؛ و اگر پس از انقضای آن مستاجر عین مستاجر را بدون اذن مالک مدتی در تصرف خود نگاه دارد، موجر برای مدت مزبور مستحق اجرت المثل خواهد بود، اگر چه مستاجر استیفای منفعت نکرده باشد [در حکم غاصب]؛ و اگر با اجازه مالک در تصرف نگاه دارد، وقتی باید اجرت المثل بدهد که استیفای منفعت کرده باشد، مگر این که مالک اجازه داده باشد که مجاناً استفاده نماید.

^۳ - یادآوری: حاشیه های دکتر کاتوزیان فراموش نشود.

استفاده بلاجهت

دارا شدن بلاسبب یا بلاجهت یک «عنوان حقوقی مستقل» است که قانون مدنی ایران تحت این عنوان مطلبی را بیان نکرده و ماهیت دارا شدن بلاسبب را مسکوت گذارده است.

در واقع دارا شدن بلاسبب از جمله الزامات خارج از قرارداد است که تحت عنوان استیفای نامشروع نیز می تواند مطرح شود؛

این اصطلاح «استفاده بلاجهت» فقط در ماده ۳۱۹ قانون تجارت به کار رفته است.^۱

استفاده بلاجهت^۲ یعنی دارا شدن غیر عادلانه^۳ و فقدان سبب تملک؛

شرح: دو نفر بدون این که بین آن ها رابطه حقوقی وجود داشته باشد: از دارایی یکی کم می شود و به دارایی دیگری اضافه؛ در این مورد عدالت اقتضا می کند که آن کسی که دارایی اش زیاد شده، خسارات طرف مقابل را بپردازد.

مثال: دانه درختی که مالک دارد، توسط باد به زمین مجاور انتقال داده می شود^۴ و در آنجا رشد می کند و ارزش بالایی به دست می آورد. در اینجا چون مالک حبه [دانه]، با استفاده از زمین دیگری، به دارایی او افزوده شده، و بلاسبب دارا شده است، باید خسارت صاحب زمین را بپردازد.^۵

^۱ - ماده ۳۱۹ ق.ت: اگر وجه برات یا فته طلب یا چک را نتوان به واسطه حصول مرور زمان پنج سال مطالبه کرد دارنده برات یا فته طلب یا چک می تواند تا حصول مرور زمان اموال منقوله وجه آن را از کسی که به ضرر او استفاده بلاجهت کرده است مطالبه نماید.

تبصره: حکم فوق در موردی نیز جاری است که برات یا فته طلب یا چک یکی از شرایط اساسی مقرر در این قانون را فاقد باشد.

^۲ - «استفاده بلاجهت»، از فرانسه ترجمه شده است.

^۳ - «دارا شدن غیر عادلانه»، از انگلیس ترجمه شده است.

^۴ - بدون اینکه بین آنها، قراردادی در این زمینه، وجود داشته باشد.

^۵ - ماده ۳۳ ق.م.نماء و محصولی که از زمین حاصل می شود مال مالک زمین است، چه به خودی خود روئیده باشد یا به واسطه عملیات مالک، مگر این که نماء یا حاصل، از اصله [نهال] یا حبه [دانه] غیر حاصل شده باشد، که در این صورت، درخت و محصول مال صاحب اصله یا حبه خواهد بود، اگر چه بدون رضای صاحب زمین کاشته شده باشد.

«مواد قانون مجازات، مرتبط با حقوق مدنی ۴»

ماده ۱۵۶: هرگاه فردی در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز یا خطر فعلی یا قریب الوقوع با رعایت مراحل دفاع مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می شود، در صورت اجتماع شرایط زیر مجازات نمی شود:

الف- رفتار ارتكابی برای دفع تجاوز یا خطر ضرورت داشته باشد. ب- دفاع مستند به قرائن معقول یا خوف عقلایی باشد.

پ- خطر و تجاوز به سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد و دفاع دیگری صورت نگرفته باشد.

ت- توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد یا مداخله آنان در دفع تجاوز و خطر مؤثر واقع نشود.

تبصره ۱- دفاع از نفس، ناموس، عرض، مال و آزادی تن دیگری در صورتی جایز است که او از نزدیکان دفاع کننده بوده یا مسؤولیت دفاع از وی برعهده دفاع کننده باشد یا ناتوان از دفاع بوده یا تقاضای کمک نماید یا در وضعیتی باشد که امکان استمداد نداشته باشد.

تبصره ۲- هرگاه اصل دفاع محرز باشد ولی رعایت شرایط آن محرز نباشد اثبات عدم رعایت شرایط دفاع برعهده مهاجم است.

تبصره ۳- در موارد دفاع مشروع دیه نیز ساقط است جز در مورد دفاع در مقابل تهاجم دیوانه که دیه از بیت المال پرداخت می شود.

ماده ۱۵۷: مقاومت در برابر قوای انتظامی و دیگر ضابطان دادگستری در مواقعی که مشغول انجام وظیفه خود باشند، دفاع محسوب نمی شود لکن هرگاه قوای مزبور از حدود وظیفه خود خارج شوند و حسب ادله و قرائن موجود خوف آن باشد که عملیات آنان موجب قتل، جرح، تعرض به عرض یا ناموس یا مال گردد، دفاع جایز است.

ماده ۱۵۸: علاوه بر موارد مذکور در مواد قبل، ارتکاب رفتاری که طبق قانون جرم محسوب می شود، در موارد زیر قابل مجازات نیست:

الف- در صورتی که ارتکاب رفتار به حکم یا اجازه قانون باشد؛ ب- در صورتی که ارتکاب رفتار برای اجرای قانون اهم لازم باشد؛

پ- در صورتی که ارتکاب رفتار به امر قانونی مقام ذی صلاح باشد و امر مذکور خلاف شرع نباشد؛

ت- اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان صغار و مجانین که به منظور تأدیب یا حفاظت آنها انجام می شود، مشروط بر اینکه اقدامات مذکور در حد متعارف و حدود شرعی تأدیب و محافظت باشد؛

ث- عملیات ورزشی و حوادث ناشی از آن، مشروط بر اینکه سبب حوادث، نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و این مقررات هم مغایر موازین شرعی نباشد؛

ج- هر نوع عمل جراحی یا طبی مشروع که با رضایت شخص یا اولیاء یا سرپرستان یا نمایندگان قانونی وی و رعایت موازین فنی و علمی و نظامات دولتی انجام می شود. در موارد فوری أخذ رضایت ضروری نیست.

ماده ۴۹۲: جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد اعم از آن که به نحو مباشرت یا به تسبیب یا به اجتماع آنها انجام شود.

ماده ۴۹۳: وجود فاصله زمانی، میان رفتار مرتکب و نتیجه ناشی از آن، مانع از تحقق جنایت نیست مانند فوت ناشی از انتقال عامل بیماری کشنده، که حسب مورد موجب قصاص یا دیه است. حکم این ماده و ماده (۴۹۲) این قانون در مورد کلیه جرایم جاری است.

ماده ۴۹۴: مباشرت آن است که جنایت مستقیماً توسط خود مرتکب واقع شود.

ماده ۴۹۵: هرگاه پزشک در معالجاتی که انجام می دهد موجب تلف یا صدمه بدنی گردد، ضامن دیه است مگر آنکه عمل او مطابق مقررات پزشکی و موازین فنی باشد یا این که قبل از معالجه برائت گرفته باشد و مرتکب تقصیری هم نشود و چنانچه أخذ برائت از مریض به دلیل نابالغ یا مجنون بودن او، معتبر نباشد و یا تحصیل برائت از او به دلیل بیهوشی و مانند آن ممکن نگردد، برائت از ولی مریض تحصیل می شود.

تبصره ۱- در صورت عدم قصور یا تقصیر پزشک در علم و عمل برای وی ضمان وجود ندارد هرچند برائت أخذ نکرده باشد.

تبصره ۲- ولی بیمار اعم از ولی خاص است مانند پدر و ولی عام که مقام رهبری است. در موارد فقدان یا عدم دسترسی به ولی خاص، رئیس قوه قضائیه با استیذان از مقام رهبری و تفویض اختیار به دادستانهای مربوطه به اعطای برائت به طیب اقدام می نماید.

ماده ۴۹۶: پزشک در معالجاتی که دستور انجام آن را به مریض یا پرستار و مانند آن صادر می نماید، در صورت تلف یا صدمه بدنی ضامن است مگر آنکه مطابق ماده (۴۹۵) این قانون عمل نماید.

تبصره ۱ - در موارد مزبور، هرگاه مریض یا پرستار بداند که دستور اشتباه است و موجب صدمه و تلف می شود و با وجود این به دستور عمل کند، پزشک ضامن نیست بلکه صدمه و خسارت مستند به خود مریض یا پرستار است.

تبصره ۲ - در قطع عضو یا جراحات ایجاد شده در معالجات پزشکی طبق ماده (۴۹۵) این قانون عمل می شود.

ماده ۴۹۷: در موارد ضروری که تحصیل برائت ممکن نباشد و پزشک برای نجات مریض، طبق مقررات اقدام به معالجه نماید، کسی ضامن تلف یا صدمات وارده نیست.

ماده ۴۹۸: هرگاه شیئی که توسط انسان یا وسیله نقلیه حمل می گردد به نحوی از انحاء موجب جنایت گردد حمل کننده ضامن دیه است.

ماده ۴۹۹: هرگاه کسی دیگری را بترساند و آن شخص در اثر ترس بی اختیار فرار کند یا بدون اختیار حرکتی از او سر بزند که موجب ایراد صدمه بر خودش یا دیگری گردد، ترساننده حسب تعاریف جنایات عمدی و غیر عمدی مسؤول است.

ماده ۵۰۰: در مواردی که جنایت یا هر نوع خسارت دیگر مستند به رفتار کسی نباشد، مانند این که در اثر علل قهری واقع شود، ضمان منتفی است.

ماده ۵۰۱: هرگاه کسی به روی شخصی سلاح بکشد یا حیوانی مانند سگ را به سوی او برانگیزد یا هر کار دیگری که موجب هراس او می گردد مانند فریاد کشیدن یا انفجار صوتی انجام دهد و بر اثر این ارباب، شخص بمیرد یا مصدوم گردد حسب مورد بر اساس تعاریف انواع جنایات به قصاص یا دیه محکوم می شود.

ماده ۵۰۲: هرگاه کسی خود را از جای بلندی پرت کند و بر روی شخصی بیافتد و سبب جنایت شود بر اساس تعاریف انواع جنایت حسب مورد به قصاص یا دیه محکوم می شود لکن اگر فعلی از او سر نزند و به علل قهری همچون طوفان و زلزله پرت شود و به دیگری بخورد و صدمه به او وارد کند، کسی ضامن نیست.

ماده ۵۰۳: هرگاه کسی دیگری را به روی شخص ثالثی پرت کند و شخص ثالث یا شخص پرت شده بمیرد یا مصدوم گردد در صورتی که مشمول تعریف جنایت عمدی نگردد، جنایت شبه عمدی است.

ماده ۵۰۴: هرگاه راننده ای که با داشتن مهارت و سرعت مجاز و مطمئن و رعایت سایر مقررات در حال حرکت است در حالی که قادر به کنترل وسیله نباشد و به کسی که حضورش در آن محل مجاز نیست، بدون تقصیر برخورد نماید، ضمان منتفی و در غیر این صورت راننده ضامن است.

تبصره ۱- در موارد فوق هرگاه عدم رعایت برخی از مقررات رانندگی تأثیری در حادثه نداشته باشد به گونه ای که تقصیر مرتکب علت جنایت حاصله نباشد، راننده ضامن نیست.

تبصره ۲- حکم مندرج در این ماده در مورد وسایل و ابزارآلات دیگر نیز جاری است.

ماده ۵۰۵: هر گاه هنگام رانندگی به سبب حوادثی مانند واژگون شدن خودرو و یا برخورد آن با موانع، سرنشینان خودرو مصدوم یا تلف شوند در صورتی که سبب حادثه، علل قهری همچون زلزله و سیل نبوده و مستند به راننده باشد، راننده ضامن دیه است. چنانچه وقوع حادثه مستند به شخص حقوقی یا حقیقی دیگری باشد آن شخص ضامن است.

ماده ۵۰۶: تسبیب در جنایت آن است که کسی سبب تلف شدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود به طوری که در صورت فقدان رفتار او جنایت حاصل نمی شد مانند آنکه چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند.

ماده ۵۰۷: هر گاه شخصی در معابر و اماکن عمومی یا ملک دیگری بدون اذن مالک، گودالی حفر کند یا چیز لغزنده ای در آن قرار دهد و یا هر عملی انجام دهد که سبب آسیب دیگری گردد، ضامن دیه است مگر اینکه فرد آسیب دیده با علم به آن و امکان اجتناب، عمداً با آن برخورد نماید.

ماده ۵۰۸: هر گاه شخصی یکی از کارهای مذکور در ماده (۵۰۷) این قانون را در ملک خویش یا مکانی که در تصرف و اختیار اوست، انجام دهد و سبب آسیب دیگری گردد، ضامن نیست مگر اینکه شخصی را که آگاه به آن نیست به آنجا بخواند و به استناد آن، جنایتی به وی وارد گردد.

تبصره ۱- هر گاه شخص آسیب دیده بدون اذن مالک یا با اذنی که قبل از انجام اعمال مذکور از مالک گرفته، وارد شود و صاحب ملک از ورود او اطلاع نداشته باشد، مالک ضامن نیست مگر اینکه صدمه یا تلف به علت اغواء، سهل انگاری در اطلاع دادن و مانند آن مستند به مالک باشد.

تبصره ۲- هر گاه کسی در ملک دیگری و بدون اذن او، مرتکب یکی از کارهای مذکور در ماده (۵۰۷) این قانون گردد و شخص ثالثی که بدون اذن وارد آن ملک شده است، آسیب ببیند، مرتکب عهده دار دیه است مگر اینکه بروز حادثه و صدمه مستند به خود مصدوم باشد که در این صورت مرتکب ضامن نیست مانند اینکه مرتکب علامتی هشدار دهنده بگذارد یا درب محل را قفل کند لکن مصدوم بدون توجه به علائم یا با شکستن درب وارد شود.

ماده ۵۰۹: هر گاه کسی در معابر یا اماکن عمومی با رعایت مقررات قانونی و نکات ایمنی عملی به مصلحت عابران انجام دهد و اتفاقاً موجب وقوع جنایت یا خسارت گردد، ضامن نیست.

ماده ۵۱۰: هر گاه شخصی با انگیزه احسان و کمک به دیگری رفتاری را که به جهت حفظ مال، جان، عرض یا ناموس او لازم است، انجام دهد و همان عمل موجب صدمه و یا خسارت شود در صورت رعایت مقررات قانونی و نکات ایمنی، ضامن نیست.

ماده ۵۱۱: کسی که در ملک خود یا در مکان یا راهی که توقف در آنجا مجاز است توقف کند یا وسیله نقلیه خود یا هر شیء مجاز دیگری را در آنجا قرار دهد و شخصی با آنها برخورد کند و مصدوم گردد یا فوت کند ضامن نیست و چنانچه خسارتی بر او یا مالش وارد شود، برخوردکننده ضامن است.

ماده ۵۱۲: هر گاه شخصی در محلهایی که توقف در آنها مجاز نیست، توقف نماید یا شیء و یا حیوانی را در این قبیل محلهای مستقر سازد یا چیز لغزنده ای در آن قرار دهد و دیگری بدون توجه به آنها در اثر برخورد یا لغزش مصدوم شود یا فوت کند یا خسارت مالی ببیند، شخص متوقف یا کسی که آن شیء یا حیوان را مستقر نموده یا راه را لغزنده کرده است، ضامن دیه و سایر خسارات می باشد مگر آنکه عابر با وسعت راه و محل عمداً با آن برخورد کند که در این صورت نه فقط خسارت به او تعلق نمی گیرد بلکه عهده دار خسارت وارده نیز می شود.

ماده ۵۱۳: هر گاه شخصی را که شبانه و به طور مشکوکی از محل اقامتش فراخوانده و بیرون برده اند، مفقود شود، دعوت کننده، ضامن دیه اوست مگر اینکه ثابت کند که دعوت شده زنده است یا اگر فوت کرده به مرگ عادی یا علل قهری بوده که ارتباطی به او نداشته است یا اگر کشته شده دیگری او را به قتل رسانده است. این حکم در مورد کسی که با حيله یا تهدید یا هر طریق دیگری، کسی را برباید و آن شخص مفقود گردد نیز جاری است.

تبصره - هر گاه پس از دریافت دیه، مشخص شود که شخص مفقود زنده است و یا قاتل شناسایی گردد، دیه مسترد می گردد و چنانچه اثبات شود که دعوت کننده شخص مفقود را عمداً کشته است قصاص ثابت می شود.

ماده ۵۱۴: هرگاه در اثر علل قهری مانند سیل و زلزله مانعی به وجود آید و موجب آسیب گردد، هیچ کس ضامن نیست، گرچه شخص یا اشخاصی تمکن برطرف کردن آنها را داشته باشند و اگر سیل یا مانند آن، چیزی را به همراه آورد و لکن کسی آن را جایی نامناسب مانند جای اول یا در جای بدتری قرار دهد که موجب آسیب شود، عهده دار دیه است و اگر آن را از جای نامناسب بردارد و در جهت مصلحت عابران در جای مناسب تری قرار دهد ضامن نیست.

تبصره ۱- هرگاه مانع مزبور توسط شخصی به وجود آمده باشد تغییردهنده وضعیت به حالت مناسب تر نیز ضامن نیست.

تبصره ۲- افراد یا دستگاههایی که مسؤولیت اصلاح یا رفع آثار این گونه حوادث را برعهده دارند، در صورت تقصیر یا قصور قابل استناد در انجام وظیفه، ضامن می باشند.

ماده ۵۱۵: هرگاه قرار دادن کالا در خارج مغازه یا توقف اتومبیل در مقابل منزل و امثال آن عرف و عادت شده باشد، گذارنده کالا یا متوقف کننده اتومبیل در صورت عدم منع قانونی و عریض بودن معبر و عدم ایجاد مزاحمت برای عابران ضامن زینهای وارده نیست.

ماده ۵۱۶: هرگاه کسی چیزی را در مکانی مانند دیوار یا بالکن ملک خود که قرار دادن اشیاء در آن جایز است، قرار دهد و در اثر حوادث پیش بینی نشده به معبر عام و یا ملک دیگری بیفتد و موجب صدمه یا خسارت شود ضامن منتفی است مگر آنکه آن را طوری گذاشته باشد که نوعاً مستعد صدمه یا خسارت باشد.

ماده ۵۱۷: اگر مالک یا کسی که عهده دار احداث ملکی است بنایی را به نحو مجاز بسازد یا بالکن و مانند آن را با رعایت نکات ایمنی و ضوابط فنی که در استحکام بنا لازم است در محل مجاز احداث کند و اتفاقاً موجب آسیب یا خسارت گردد، ضامن نیست.

تبصره- اگر عمل غیرمجاز به گونه ای باشد که نتوان آن را به مالک مستند نمود مانند آنکه مستند به مهندسان ذی ربط ساختمان باشد ضامن از مالک منتفی و کسی که عمل مذکور مستند به اوست ضامن است.

ماده ۵۱۸: هر گاه شخصی بنا یا دیواری را بر پایه محکم و با رعایت مقرراتی که در استحکام بنا و ایمنی لازم است احداث نماید لکن به علت حوادث پیش بینی نشده، مانند زلزله یا سیل، سقوط کند و موجب آسیب گردد، ضامن نیست و چنانچه دیوار یا بنا را به سمت ملک خود احداث نماید که اگر سقوط کند طبعاً در ملک خود، سقوط می کند لکن اتفاقاً به سمت دیگری سقوط نماید و موجب آسیب گردد، ضامن نیست.

ماده ۵۱۹: هر گاه دیوار یا بنایی که بر پایه استوار و غیر متمایل احداث شده است در معرض ریزش قرار گیرد یا متمایل به سقوط به سمت ملک دیگری یا معبر گردد اگر قبل از آنکه مالک تمکن اصلاح یا خراب کردن آن را پیدا کند ساقط شود و موجب آسیب گردد، ضامن منتفی است مشروط به آنکه به نحو مقتضی افراد در معرض آسیب را از وجود خطر آگاه کرده باشد. چنانچه مالک با وجود تمکن از اصلاح یا رفع یا آگاه سازی و جلوگیری از وقوع آسیب، سهل انگاری نماید، ضامن است.

تبصره - هر گاه دیوار یا بنایی که ساقط شده متعلق به صغیر یا مجنون باشد ولی او ضامن است و اگر بنای مذکور از بناهای عمومی و دولتی باشد، متولی و مسؤول آن ضامن است.

ماده ۵۲۰: هر گاه شخصی دیوار یا بنای دیگری را بدون اذن او متمایل به سقوط نماید، عهده دار صدمه و خسارت ناشی از سقوط آن است.

ماده ۵۲۱: هر گاه شخصی در ملک خود یا مکان مجاز دیگری، آتشی روشن کند و بداند که به جایی سرایت نمی کند و غالباً نیز سرایت نکند لکن اتفاقاً به جایی دیگر سرایت نماید و موجب خسارت و صدمه گردد ضامن ثابت نیست و در غیر این صورت ضامن است.

ماده ۵۲۲: متصرف هر حیوانی که از احتمال حمله آن آگاه است باید آن را حفظ نماید و اگر در اثر تقصیر او، حیوان مزبور به دیگری صدمه وارد سازد، ضامن است. ولی اگر از احتمال حمله حیوان آگاه نبوده و عدم آگاهی ناشی از تقصیر او نباشد، ضامن نیست.

تبصره ۱- نگهداری حیوانی که شخص توانایی حفظ آن را ندارد، تقصیر محسوب می شود.

تبصره ۲- نگهداری هر وسیله یا شیء خطرناکی که دیگران را در معرض آسیب قرار دهد و شخص قادر به حفظ و جلوگیری از آسیب رسانی آن نباشد، مشمول حکم تبصره (۱) این ماده است.

ماده ۵۲۳: هرگاه شخصی با اذن کسی که حق اذن دارد، وارد منزل یا محلی که در تصرف اوست، گردد و از ناحیه حیوان یا شیئی که در آن مکان است صدمه و خسارت ببیند، اذن دهنده ضامن است، خواه آن شیء یا حیوان قبل از اذن در آن محل بوده یا بعداً در آن قرار گرفته باشد و خواه اذن دهنده نسبت به آسیب رسانی آن علم داشته باشد خواه نداشته باشد.

تبصره - در مواردی که آسیب مستند به مصدوم باشد مانند آنکه واردشونده بداند حیوان مزبور خطرناک است و اذن دهنده از آن آگاه نیست و یا قادر به رفع خطر نمی باشد، ضامن منتفی است.

ماده ۵۲۴: هرگاه کسی که سوار حیوان است آن را در معابر عمومی یا دیگر محلهای غیر مجاز متوقف نماید در مورد تمام خسارتهایی که آن حیوان وارد می کند و مستند به فعل شخص مزبور می باشد ضامن است و چنانچه مهار حیوان در دست دیگری باشد مهارکننده به ترتیب فوق ضامن است.

ماده ۵۲۵: هرگاه شخصی عملی انجام دهد که موجب تحریک یا وحشت حیوان گردد ضامن جنایتهایی است که حیوان در اثر تحریک یا وحشت وارد می کند مگر آنکه عمل مزبور مصداق دفاع مشروع باشد.

ماده ۵۲۶: هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی، تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به طور مساوی ضامن می باشد مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هریک به میزان تأثیر رفتارشان مسؤول هستند. در صورتی که مباشر در جنایت بی اختیار، جاهل، صغیر غیر ممیز یا مجنون و مانند آنها باشد فقط سبب، ضامن است.

ماده ۵۲۷: هرگاه دو نفر بر اثر برخورد بی واسطه با یکدیگر کشته شوند یا آسیب ببینند، چنانچه میزان تأثیر آنها در برخورد، مساوی باشد در مورد جنایت شبه عمدی نصف دیه هر کدام از مال دیگری و در مورد خطای محض نصف دیه هر کدام به وسیله عاقله دیگری پرداخت می شود و اگر تنها یکی از آنها کشته شود یا آسیب ببیند، حسب مورد عاقله یا خود مرتکب، نصف دیه را باید به مجنی علیه یا اولیای دم او بپردازند.

ماده ۵۲۸: هرگاه در اثر برخورد دو وسیله نقلیه زمینی، آبی یا هوایی، راننده یا سرنشینان آن ها کشته شوند یا آسیب ببینند در صورت انتساب برخورد به هر دو راننده، هریک مسؤول نصف دیه راننده مقابل و سرنشینان هر دو وسیله نقلیه است و چنانچه سه وسیله نقلیه با هم برخورد کنند هریک از رانندگان مسؤول یک سوم دیه راننده های مقابل و سرنشینان هر سه وسیله نقلیه می باشد و به همین صورت در وسایل نقلیه بیشتر، محاسبه می شود و هرگاه یکی از طرفین مقصر باشد به گونه ای که برخورد به او مستند شود، فقط او ضامن است.

ماده ۵۲۹: در کلیه مواردی که تقصیر موجب ضمان مدنی یا کیفری است، دادگاه موظف است استناد نتیجه حاصله به تقصیر مرتکب را احراز نماید.

ماده ۵۳۰: هرگاه برخورد بین دو یا چند نفر یا وسیله نقلیه بر اثر عوامل قهری مانند سیل و طوفان به وجود آید، ضمان منتفی است.

ماده ۵۳۱: در موارد برخورد هرگاه حادثه به یکی از طرفین مستند باشد مثل اینکه حرکت یکی از طرفین به قدری ضعیف باشد که اثری بر آن مترتب نگردد، تنها درباره طرفی که حادثه مستند به او است، ضمان ثابت است.

ماده ۵۳۲: در برخورد دو وسیله نقلیه هرگاه رفتار هر دو یا یکی از آنها مشمول تعریف جنایات عمدی گردد حسب مورد به قصاص یا دیه حکم می شود.

ماده ۵۳۳: هرگاه دو یا چند نفر به نحو شرکت سبب وقوع جنایت یا خسارتی بر دیگری گردند به طوری که آن جنایت یا خسارت به هر دو یا همگی مستند باشد، به طور مساوی ضامن می باشند.

ماده ۵۳۴: هرگاه بر اثر ایجاد مانع یا سببی دو یا چند نفر یا وسیله نقلیه با هم برخورد کنند و به علت برخورد آسیب ببینند و یا کشته شوند، مسبب ضامن است.

ماده ۵۳۵: هرگاه دو یا چند نفر با انجام عمل غیرمجاز در وقوع جنایتی به نحو سبب و به صورت طولی دخالت داشته باشند کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب یا اسباب دیگر باشد، ضامن است مانند آن که یکی از آنان گودالی حفر کند و دیگری سنگی در کنار آن قرار دهد و عابری به سبب برخورد با سنگ به گودال بیفتد که در این صورت، کسی که سنگ را گذاشته، ضامن است مگر آنکه همه قصد ارتکاب جنایت را داشته باشند که در این صورت شرکت در جرم محسوب می شود. [فصلی کیفری همچون شرط بی واسطه].

ماده ۵۳۶: هرگاه در مورد ماده (۵۳۵) این قانون عمل یکی از دو نفر غیرمجاز و عمل دیگری مجاز باشد مانند آنکه شخصی وسیله یا چیزی را در کنار معبر عمومی که مجاز است، قرار دهد و دیگری کنار آن چاهی حفر کند که مجاز نیست، شخصی که عملش غیرمجاز بوده، ضامن است. اگر عمل شخصی پس از عمل نفر اول و با توجه به اینکه ایجاد آن سبب در کنار سبب اول موجب صدمه زدن به دیگران می شود انجام گرفته باشد، نفر دوم ضامن است.

ماده ۵۳۷: در کلیه موارد مذکور در این فصل هرگاه جنایت منحصرأ مستند به عمد و یا تقصیر مجنی علیه باشد ضمان ثابت نیست. در مواردی که اصل جنایت مستند به عمد یا تقصیر مرتکب باشد لکن سرایت آن مستند به عمد یا تقصیر مجنی علیه باشد مرتکب نسبت به مورد سرایت ضامن نیست.

«قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹»

ماده ۱: هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشد.

ماده ۲: در موردی که عمل واردکننده زیان موجب خسارت مادی یا معنوی زیان دیده شده باشد دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت امر او را به جبران خسارات مزبور محکوم می نماید و چنان چه عمل واردکننده زیان فقط موجب یکی از خسارات مزبور باشد دادگاه او را به جبران همان نوع خساراتی که وارد نموده محکوم خواهد نمود.

ماده ۳: دادگاه میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد جبران زیان را به صورت مستمری نمی شود تعیین کرد مگر آن که مدیون تأمین مقتضی برای پرداخت آن بدهد یا آن که قانون آن را تجویز نماید.

☞ قاضی نمی تواند جبران زیان را به طور مستمری تعیین کند، مگر این که مدیون تأمین مقتضی برای پرداخت بدهد یا قانون آن را تجویز نماید.

ماده ۴: دادگاه می تواند میزان خسارت را در مورد زیر تخفیف دهد:

۱. هرگاه پس از وقوع خسارت واردکننده زیان به نحو مؤثری به زیان دیده کمک و مساعدت کرده باشد؛
۲. هرگاه وقوع خسارت ناشی از غفلتی بود که عرفاً قابل اغماض باشد و جبران آن نیز موجب عسرت و تنگدستی واردکننده زیان شود؛
۳. وقتی که زیان دیده به نحوی از انحاء موجبات تسهیل ایجاد زیان را فراهم نموده یا به اضافه شدن آن کمک و یا وضعیت وارد کننده زیان را تشدید کرده باشد.

☞ دقت شود که: به صیرف این که زیان دیده از تمکن مالی برای تحمل زیان برخوردار باشد موجب تخفیف نیست؛

☞ در صورتی که خسارت وارده به نحو آشکار کمتر از میزان وجه التزام باشد، دادگاه نمی تواند میان خسارت را تخفیف دهد.

ماده ۵: اگر در اثر آسیبی که به بدن یا سلامتی کسی وارد شده در بدن او نقصی پیدا شود یا قوه کار زیان دیده کم گردد و یا از بین برود و یا موجب افزایش مخارج زندگانی او بشود واردکننده زیان مسئول جبران کلیه خسارات مزبور است.

دادگاه جبران زیان را با رعایت اوضاع و احوال قضیه به طریق مستمری و یا پرداخت مبلغی دفعتاً واحده تعیین می نماید و در مواردی که جبران زیان باید به طریق مستمری به عمل آید تشخیص این که به چه اندازه و تا چه میزان و تا چه مبلغ می توان از واردکننده زیان تأمین گرفت با دادگاه است.

اگر در موقع صدور حکم تعیین عواقب صدمات بدنی به طور تحقیق ممکن نباشد دادگاه از تاریخ صدور حکم تا دو سال حق تجدید نظر نسبت به حکم خواهد داشت.

ماده ۶: در صورت مرگ آسیب دیده زیان شامل کلیه هزینه ها مخصوصاً هزینه کفن و دفن می باشد اگر مرگ فوری نباشد هزینه معالجه و زیان ناشی از سلب قدرت کار کردن در مدت ناخوشی نیز جزء زیان محسوب خواهد شد.

در صورتی که در زمان وقوع آسیب زیان دیده قانوناً مکلف بوده و یا ممکن است بعدها مکلف شود شخص ثالثی را نگاهداری می نماید و در اثر مرگ او شخص ثالث از آن حق محروم گردد واردکننده زیان باید مبلغی به عنوان مستمری متناسب با مدتی که ادامه حیات آسیب دیده عادتاً ممکن و مکلف به نگاهداری شخص ثالث بوده به آن شخص پرداخت کند در این صورت تشخیص میزان تأمین که باید گرفته شود با دادگاه است.

در صورتی که در زمان وقوع آسیب نطفه شخص ثالث بسته شده و یا هنوز طفل به دنیا نیامده باشد شخص مزبور استحقاق مستمری را خواهد داشت.

ماده ۷: کسی که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا بر حسب قرارداد به عهده او می باشد در صورت تقصیر در نگاهداری یا مواظبت مسئول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون و یا صغیر می باشد و در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد از مال مجنون یا صغیر زیان جبران خواهد شد و در هر صورت جبران زیان باید به نحوی صورت گیرد که موجب عسرت و تنگدستی جبران کننده نباشد.

➤ مسئولیت نگهداری صغیر در صورتی است که، تقصیر او در نگهداری و مواظبت صغیر، توسط زیان دیده اثبات شود.

ماده ۸: کسی که در اثر تصدیقات یا انتشارات مخالف واقع به حیثیت و اعتبارات و موقعیت دیگری زیان وارد آورد مسئول جبران آن است.

شخصی که در اثر انتشارات مزبور یا سایر وسایل مخالف با حسن نیت مشتریانش کم و یا در معرض از بین رفتن باشد می تواند موقوف شدن عملیات مزبور را خواسته و در صورت اثبات تقصیر زیان وارده را از واردکننده مطالبه نماید.

ماده ۹: دختری که در اثر اعمال حیله یا تهدید و یا سوء استفاده از زیر دست بودن برای همخوابگی نامشروع شده می تواند از مرتکب علاوه از زیان مادی مطالبه زیان معنوی هم بنماید.

ماده ۱۰: کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد شود می تواند از کسی که لطمه وارد آورده است جبران زیان مادی معنوی خود را بخواهد هرگاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید دادگاه می تواند در صورت اثبات تقصیر علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی حکم به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید.

ماده ۱۱: کارمندان دولت و شهرداری و مؤسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی خساراتی به اشخاص وارد نمایند شخصاً مسئول جبران خسارت وارده می باشند ولی هرگاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و یا مؤسسات مزبور باشد در این صورت جبران خسارت بر عهده اداره یا مؤسسه مربوطه است ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت هرگاه اقداماتی که برحسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود دولت مجبور به پرداخت خسارات نخواهد بود.

✗ خسارت ناشی از اشتباه دادرس بر عهده دولت است و خسارت ناشی از تقصیر وی بر عهده خود اوست؛

✗ خسارت ناشی از بی احتیاطی کارمند دولت به عهده خود دولت است و خسارت ناشی از حاکمیت دولت

به عهده دولت نیست.

ماده ۱۲: کارفرمایانی که مشمول قانون کار هستند مسئول جبران خساراتی می باشند که از طرف کارکنان اداری و یا کارگران آنان در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارد شده است مگر این که محرز شود تمام احتیاط هایی که اوضاع و احوال قضیه ایجاب می نموده به عمل آورده و یا این که اگر احتیاط های مزبور را به عمل می آورند باز هم جلوگیری از ورود زیان مقدور نمی بود کارفرما می تواند به واردکننده خسارت در صورتی که مطابق قانون مسئول شناخته شود مراجعه نماید.

✂ مسئولیت مدنی کارفرما نسبت به اعمال کارکنان و کارگران خود: منوط به آن است که حادثه در حین کار و انجام وظیفه کارگر و یا به مناسبت آن رخ داده باشد؛

✂ مقنن در این ماده تقصیر کارفرما را **مفروضی** انگاشته است [اماره بر تقصیر وی] و زیان دیده از اثبات تقصیر او معاف است؛

✂ زیان دیده می تواند برای جبران خسارت خود به کارگر [طبق قواعد عمومی مسئولیت مدنی] و کارفرما مراجعه کند و در صورتی که کارفرما جبران خسارت کند می تواند برای مطالبه آنچه که پرداخته است به کارگر رجوع کند؛

✂ کارفرما مسئول خسارات وارده از سوی کارگر به اشخاص ثالث می باشد، مگر این که قوه قاهره را ثابت نماید؛

✂ هرگاه چند کارگر که مشمول قانون کار هستند مشترکاً زبانی را به ثالث وارد آورند متضامناً مسئول جبران خسارت هستند.

شرایط تحقق مسئولیت کارفرما در قبال زیان دیده:

۱. مشمول قانون کار بودن کارفرما؛
۲. خواهان باید ورود زیان به خویشتن رابه ثبوت برساند؛
۳. خواهان ملزم به اثبات وجود رابطه سببیت میان ضرر وارده به خود و فعل یا ترک فعل کارگران و کارکنان کارفرما می باشد.

ماده ۱۳: کارفرمایان مشمول ماده ۱۲ مکلفند تمام کارگران و کارکنان اداری خود را در مقابل خسارت وارده از ناحیه آن به اشخاص ثالث بیمه نمایند.

ماده ۱۴: در مورد ماده ۱۲ هر گاه چند نفر مجتمعاً زیانی وارد آورند متضامناً مسئول جبران خسارت وارده هستند. در این مورد میزان مسئولیت هر یک از آنان با توجه به نحوه مداخله هر یک از طرف دادگاه تعیین می شود.

ماده ۱۵: کسی که در مقام دفاع مشروع موجب خسارات بدنی یا مالی شخص متعددی شود مسئول خسارت نیست مشروط بر این که خسارت وارده بر حسب متعارف متناسب با دفاع باشد.

ماده ۱۶: وزارت دادگستری مأمور اجرای این قانون است.

برخی از نکات مهم قانون مسئولیت مدنی؛

- تعریف مسئولیت مدنی: ملزم بودن شخص به جبران خساراتی که از خطای او به دیگر وارد می شود؛
- ورود ضرر و زیان به غیر، یکی از ارکان تحقق مسئولیت مدنی است؛
- مسئولیت مدنی، زمانی تحقق می یابد که شخصی با انجام یا عدم انجام فعلی به دیگری زیان برساند، بنابراین قلمرو مسئولیت مدنی شامل پندار شخص نمی شود و پندار اشخاص در قلمرو مسئولیت اخلاقی قرار دارد؛
- مسئولیت اخلاقی عام تر از مسئولیت مدنی است: هم شامل پندار و هم شامل کردار اشخاص می شود؛
- در مسئولیت مدنی میان درجه تقصیر و میزان مسئولیت، اصولاً تناسب وجود ندارد، بلکه در مواردی که مسئولیت مبتنی بر تقصیر است (مانند تسبیب) صرف وجود تقصیر و رابطه سببیت میان آن و ورود خسارت کافی است و درجه تقصیر، تاثیری در میزان مسئولیت ندارد: مثلاً خطایی ناچیز، زیانی هنگفت به بار آورد؛
- در مسئولیت کیفری اصولاً اعمال مجازات، متناسب با تقصیر ارتكابی است و مجازات متوجه شخص مجرم است. اما در مسئولیت مدنی با مواردی مواجه هستیم که مسئولیت برخی از اشخاص ناشی از فعل غیر است؛

- اشخاصی که حسب مورد مسئول جبران خسارات هستند: قائم مقام عام، بیمه گر مسئولیت، صندوق تامین خسارت های بدنی؛
- دقت شود که قائم مقام خاص عامل ورود زیان، به هیچ وجه ملزم به جبران خسارت وارده از سوی شخص مزبور به دیگران نمی باشد؛
- هرگاه مردی بر اثر حادثه ای زیانبار بمیرد، زوجه منقطعه او نمی تواند دعوای مسئولیت مدنی به عنوان وارث اقامه کند، اما می تواند دعوای شخصی علیه عامل حادثه مرگ بار اقامه کند؛
- طبق این قانون: مسئولیت مدنی بر مبنای «تقصیر» است. تقصیر یعنی تخلف از رفتار انسان متعارف در شرایط حادثه زیان بار؛
- علل موجهه در مسئولیت مدنی: اجبار یا اکراه، حکم قانون، دفاع مشروع و رضایت زیان دیده در ورود زیان به اموال جز در موارد استثنایی؛
- رضایت زیان دیده در وارد آوردن لطمه و صدمه بر تمامیت جسمی او از علل موجهه نیست و وصف تقصیر را نمی زداید.
- مبنای خسارت معنوی: قانون اساسی و قانون مسئولیت مدنی است؛
- شرایط ضرر قابل جبران: حتمی و مسلم بودن باشد، شخصی باشد، مشروع باشد و قبلاً جبران نشده باشد؛
- عدم النفع به هیچ وجه قابل مطالبه نیست؛
- رای دادگاه در حکم به جبران ضرر و زیان: اعلامی [از جهت اعلام سوء تعهد عامل ورود زیان] و تاسیسی [از جهت مشخص کردن نحوه جبران زیان].

قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۴۷:

ماده ۱: کلیه دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی و انواع یدک و تریلر متصل به وسایل مزبور و قطارهای راه آهن اعم از این که اشخاص حقیقی یا حقوقی باشند مسئول جبران خسارات بدنی و مالی هستند که در اثر حوادث وسایل نقلیه مزبور و یا محمولات آنها به اشخاص ثالث وارد شود و مکلفند مسئولیت خود را از این جهت نزد شرکت سهامی بیمه ایران و یا یکی از مؤسسات بیمه داخلی که اکثریت سهام آنها متعلق به اتباع ایرانی و صلاحیت آنها به پیشنهاد وزارت دارایی و وزارت اقتصاد مورد تأیید دولت باشد بیمه نمایند.

تبصره ۱: منظور از حوادث مذکور در این قانون هر گونه تصادف یا سقوط یا آتش سوزی یا انفجار وسایل نقلیه موضوع این ماده و نیز خساراتی است که از محمولات وسایل مزبور به اشخاص ثالث وارد شود.

تبصره ۲: کلیه وزارتخانه ها - ادارات مستقل - بانک ها - بنگاه ها و شرکت هایی که حداقل نصف سهام آنها متعلق به دولت است و سازمان برنامه و شرکت های تابع آن و به طور کلی عموم مؤسسات وابسته به دولت مکلفند عملیات موضوع این قانون را منحصراً نزد شرکت سهامی بیمه ایران انجام دهند.

➤ مسئولیت پیش بینی شده در این قانون، مسئولیتی نوعی است و مبتنی بر تقصیر نمی باشد؛

➤ هر گاه وسیله نقلیه در ید غیر صاحب آن موجب خسارت شود، حتی اگر با تقصیر راننده آن موجب خسارت شود: زیان دیده می تواند از دارنده اتومبیل و از راننده مقصر از هر کدام که بخواهد خسارت بگیرد.

ماده ۲: کلیه اشخاصی که به سبب حوادث وسایل نقلیه موضوع این قانون دچار زیان های بدنی یا مالی می شوند

از لحاظ این قانون ثالث تلقی می شوند به استثناء اشخاص زیر:

الف - بیمه گذار، مالک، یا راننده وسیله نقلیه مسئول حادثه؛

ب - کارکنان بیمه گذار مسئول حادثه حین کار و انجام وظیفه؛

ج - همسر و پدر و مادر و اولاد اولاد و اجداد تحت تکفل بیمه گذار در صورتی که سرنشین وسیله نقلیه ای باشند که راننده یا بیمه گذار مسئول حادثه باشد.

تبصره - در صورت تصادف دو وسیله نقلیه رانندگان وسایل مزبور نیز در برابر یکدیگر شخص ثالث محسوب می شوند اعم از آن که مالک وسیله نقلیه باشند یا نباشند.

ماده ۳: از تاریخ انتقال وسیله نقلیه کلیه تعهدات ناشی از قرارداد بیمه به منتقل الیه وسیله نقلیه منتقل می شود و انتقال گیرنده تا پایان مدت قرارداد بیمه گذار محسوب خواهد شد و مکلف است ظرف پانزده روز از تاریخ انتقال وسیله نقلیه به خود مراتب را به طریق اطمینان بخشی با ذکر مشخصات کامل خود به بیمه گر اعلام کند.

ماده ۴: موارد ذیل از شمول بیمه موضوع این قانون خارج است:

۱. خسارات ناشی از فورس ماژور از قبیل جنگ - سیل - زلزله؛
۲. خسارات وارد به محمولات وسایل نقلیه مورد بیمه؛
۳. خسارات مستقیم یا غیرمستقیم ناشی از تشعشعات اتمی و رادیواکتیو؛
۴. خسارات وارد به متصرفین غیرقانونی وسایل نقلیه یا به رانندگان فاقد گواهینامه رانندگی؛
۵. خسارات ناشی از محکومیت جزایی و پرداخت جرایم؛
۶. خسارات ناشی از حوادثی که در خارج از کشور اتفاق می افتد مگر این که توافقی بین بیمه گر و بیمه گذار در این موضوع شده باشد.

ماده ۵: در مورد عمد راننده در ایجاد حادثه یا در صورتی که راننده فاقد گواهینامه رانندگی باشد شرکت بیمه پس از پرداخت خسارت زیان دیده می تواند برای استرداد وجوه پرداخت شده به شخصی که موجب خسارت شده مراجعه نماید.

ماده ۶: بیمه گر ملزم به جبران کلیه خسارات وارد به اشخاص ثالث خواهد بود.

حداقل مبلغ بیمه با توجه به نوع و سایر خصوصیات وسایل نقلیه و هم چنین تعرفه حق بیمه و شرایط عمومی آن با رعایت نرخها و شرایط بین المللی توسط شرکت سهامی بیمه ایران تعیین و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

ماده ۷: پس از گذشتن سه ماه از تاریخ اجرای این قانون از حرکت وسایل نقلیه موتوری زمینی که فاقد قرارداد بیمه موضوع این قانون می باشد از طرف مأمورین اداره راهنمایی و رانندگی و پلیس راه جلوگیری به عمل می آید.

ماده ۸: شرکت های بیمه طبق مقررات این قانون و آیین نامه های مربوط به آن مکلف به انعقاد قرارداد بیمه با دارندگان وسایل نقلیه مشمول این قانون خواهند بود.

ماده ۹: دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی که از خارج وارد ایران می شوند در صورتی که خارج از کشور مسئولیت خود را نسبت به حوادث ناشی از وسیله نقلیه موضوع این قانون به موجب بیمه نامه ای که از طرف شرکت سهامی بیمه ایران معتبر شناخته می شود بیمه نکرده باشند مکلفند هنگام ورود به مرز ایران طبق ماده یک این قانون اقدام به بیمه نمایند.

ماده ۱۰: برای جبران زیان های بدنی وارد به اشخاص ثالث که به علت بیمه نبودن وسیله نقلیه، بطلان قرارداد بیمه - تعلیق قرارداد بیمه - تعلیق تأمین بیمه گر - فرار کردن و یا شناخته نشدن مسئول حادثه و یا ورشکستگی بیمه گر قابل پرداخت نباشد یا به طور کلی برای جبران خسارت های خارج از شرایط بیمه نامه (به استثنای موارد مصرح در ماده ۴) صندوق مستقلی به نام «صندوق تأمین خسارت های بدنی» تأسیس می شود که به وسیله شرکت سهامی بیمه ایران اداره خواهد شد.

سازمان، وظایف و صلاحیت صندوق تأمین خسارت های بدنی، به موجب آیین نامه ای خواهد بود که به وسیله شرکت سهامی بیمه ایران تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

ماده ۱۱: درآمد صندوق تأمین خسارت های بدنی از منابعی است که به پیشنهاد دولت به تصویب کمیسیون های دارای مجلسین برسد.

ماده ۱۲: مرور زمان دعاوی مربوط به بیمه موضوع این قانون از تاریخ وقوع حادثه دو سال می باشد و هر نوع اقدام ذی نفع به منظور مطالبه خسارت اعم از ارسال نامه یا تلگرام یا اظهارنامه قاطع مرور زمان خواهد بود. مدت مرور زمان جدید بعد از انقطاع یک سال است.

ماده ۱۳: آیین نامه اجرایی این قانون از طرف شرکت سهامی بیمه ایران تهیه و پس از تصویب هیأت وزیران به موقع اجراء گذاشته می شود.

ماده ۱۴: این قانون از اول فروردین ماه ۱۳۴۸ به موقع اجراء گذارده خواهد شد.